

نگاهی بر این نشریه
این نشریه از طریق ترجمه محتوای تحلیلی به بررسی مسائل زیر می‌پردازد:
 ۱- سیاست‌های آمریکا در غرب آسیا
 ۲- مسائل داخلی رژیم صهیونیستی و مسائل داخلی آمریکا
 ۳- محور مقاومت، حوزه خلیج فارس، اروپا، قفقاز و آسیای میانه
 ۴- موضوعات مربوط به سیاست داخلی و خارجی ایران، برجام، اعتراضات مردمی و رهبری
 ۵- تئوری‌های منتشر شده از سوی فعالان و مقام‌های سیاسی جهان

رصدنامه روزانه اندیشکده‌ها، خبرگزاری‌ها، مجلات آمریکایی | مختص مطالعه نخبگان | چهارشنبه ۳۰ آبان ۱۴۰۳ | سال سوم شماره ۶۷۷



تغییرات احتمالی در مفهوم امنیتی ایران

در داخل کشور، این موارد شامل درگذشت بنیانگذار انقلاب، [آیت‌الله] خمینی، در سال ۱۹۸۹ و تغییرات بعدی در دولت تهران می‌شود. از نظر منطقه‌ای، رویدادهای کلیدی عبارتند از پایان جنگ ایران و عراق (۱۹۸۸)، جنگ اول خلیج فارس (۱۹۹۰-۱۹۹۱)، تهاجم سال ۲۰۰۳ به عراق، بهار عربی (۲۰۱۰-۲۰۱۱) و ظهور داعش در سوریه و عراق در اواسط دهه ۲۰۱۰ که همگی نقطه عطف‌های مهمی در مسائل خارجی ایران برای تغییرات امنیتی و رویکردی ایران بود. در سطح جهانی، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی (۱۹۹۱) ...
 ادامه در صفحه ۲

محدود یا تغییر استراتژیکی در نوع عملکرد منجر شود، به ویژه در مورد دکترین هسته‌ای آن که ممکن است دیگر از یک گزینه مخفی به یک گزینه آشکار برای بازدارندگی تبدیل شود. انتظار می‌رود ایران مفهوم امنیتی خود را در یک مقطع حساس ارزیابی کند، زیرا با تشدید درگیری با اسرائیل، یک کارزار نظامی منطقه‌ای در حال انجام است و نزدیک شدن به پایان دوره رهبر معظم انقلاب چالش سخت‌تری را ایجاد می‌کند.
 مفهوم امنیت ایران پس از انقلاب اسلامی تحت تأثیر تحولات داخلی و خارجی بسیاری بوده است.

مطالعات امنیت ملی (INSS)
راز زیمت |
 تحولات منطقه‌ای چالش‌هایی را برای ایران و محور حامی ایران ایجاد می‌کند و تردیدهایی را در مورد اثربخشی عناصر اصلی بازدارندگی آن در برابر دشمنان ایجاد می‌کند. این عناصر شامل استفاده ایران از «نیابت‌ها»، قابلیت‌های نظامی استراتژیک (موشک‌ها و پهپادها) و برنامه هسته‌ای آن است. ماه‌های اخیر کاستی‌هایی در مفهوم امنیتی ایران آشکار شده است که می‌تواند به رویکردهای متفاوتی در میان برنامه‌های ایران منجر شود. این ممکن است منجر به تعدیل‌های

۱۳	۱۰	۳
فرصت به دست آمده برای ترامپ در خصوص لبنان	سیاست خارجی آمریکا در قبال آسیای میانه	برنامه‌های بی ثمر روسیه برای جایگزینی دلار!

تغییرات احتمالی در مفهوم امنیتی ایران

به جانشین رهبر ایران
سلام کنید!



آسیب پذیری آن را تشدید کرده است و جنگ ایران و عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸) همچنان یک آسیب ملی است که در حافظه ملی جمعی ایران حک شده است و رهبری را وادار می کند تا از تکرار چنین تهدیدهایی جلوگیری کند. در حالی که فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی یک تهدید قابل توجه را از بین می برد، ظهور آمریکا به عنوان یک دشمن مهم، به ویژه پس از حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ و تشدید درگیری با اسرائیل، ایران را به تقویت توانایی های بازدارنده خود سوق داده است. محدودیت های ایران در جنگ های متعارف یکی دیگر از دلایل این موضوع بود، از طرف دیگر نیروی هوایی ایران به هواپیماهای نسبتاً قدیمی متکی است و پدافند هوایی آن در برابر حملات اسرائیل کارایی محدودی از خود نشان داده است، ایران برای جبران و ایجاد بازدارندگی موثر، چهار راهبرد اصلی را توسعه داده است که شامل اتکا به سازمان های نیابتی، قابلیت های نظامی استراتژیک (عمدتاً موشک های بالستیک و پهپادها)، تروریسم و توسعه هسته ای است که قطعاً یک ارزیابی مجدد در مورد این موارد در حال انجام است.

<https://tinyurl.com/2xsu4pf6>

تقویت دفاع جمهوری اسلامی در برابر چالش های نظامی فزاینده، به ویژه از سوی اسرائیل و در برابر تهدیدهای داخلی برای ثبات حکومتش حتی به بهای پذیرش خطرات کنترل شده ای که قبلاً از آن اجتناب می کرد تمام شود. در هفته ها و ماه های آینده، رهبری ایران باید مفاهیم اساسی امنیتی خود را مورد ارزیابی مجدد قرار دهد. این روند در حالی شکل می گیرد که اکثر نهاد های دولتی تحت کنترل محافظه کاران و تندروها هستند، با نفوذ فزاینده سپاه پاسداران که اغلب موضعی جنگ طلبانه، افراطی ناسیونالیستی و سرکش در قبال غرب اتخاذ می کند و اعتماد فزاینده به توانایی های ایران را ابراز می کند، تمایل به پذیرش خطرات بیشتر برای پیشبرد اهداف امنیت ملی ایران کاملاً یک گزینه عادی است. نفوذ آن ها می تواند نقش بسزایی در به روز رسانی مفهوم امنیتی ایران، چه در دوران منتهی به پایان حکومت [آیت الله] خامنه ای و چه در دوران پس از فوت او داشته باشد. ملاحظات امنیتی ایران عمیقاً در تجربه تاریخی آن ریشه دارد. مذاکلات خارجی و تلفات این کشور احساس

تغییر به نظم جهانی تک قطبی به رهبری آمریکا و تلاش های بعدی برای ایجاد نظم جهانی چند قطبی نیز نقش مهمی ایفا کرده است. علاوه بر این، پیشرفت ایران در قابلیت های فنی و نظامی، به ویژه در برنامه هسته ای و همچنین پیشرفت چشمگیری در بحث موشکی و پهپادی رویکرد امنیتی این کشور را بیشتر شکل داده است. ایران در حال حاضر در شرایط سختی قرار دارد. تشدید درگیری با اسرائیل، درس های آموخته شده از مبارزات منطقه ای و پایان قریب الوقوع دوره رهبر معظم انقلاب جمهوری اسلامی، این کشور را وادار می کند تا تعادل استراتژیک، سیاست های منطقه ای، جهانی و مفهوم امنیتی خود را مورد ارزیابی مجدد قرار دهد.

در نهایت تصمیم گیری در مورد تغییرات اساسی در مفهوم امنیتی ایران بر عهده مقام معظم رهبری و شورای عالی امنیت ملی است. در این مرحله، بعید به نظر می رسد که تا زمانی که [آیت الله] خامنه ای در قدرت است، تغییرات گسترده ای در مفهوم امنیتی ایران ایجاد شود. علاوه بر این، ایران در حال حاضر در شرایطی قرار دارد که فاقد گزینه های جدید و به طور کاملاً متفاوت فراتر از گزینه هایی است که قبلاً اتخاذ شده، به غیر از تغییر احتمالی دکترین هسته ای اش، اقدامی که می تواند خطرات قابل توجهی از جمله احتمال حمله نظامی توسط اسرائیل یا حتی آمریکا را به همراه داشته باشد، [آیت الله] خامنه ای از زمان انتصابش به عنوان رهبری در تابستان ۱۹۸۹، عموماً رویکرد محتاطانه ای را به ویژه در امور خارجی برای تضمین بقای حکومتش دنبال کرده است، اما با این حال، پایان حکومت او می تواند او را وادار کند که یکی از دو جهت مخالف را در پیش بگیرد. سن بالای او ممکن است باعث شود او از تغییر سیاست یا خطراتی که می تواند امنیت ملی کشورش را در سال های آخر رهبری اش به خطر بیندازد، اجتناب کند. در مقابل، او ممکن است به این نتیجه برسد که این دقیقاً لحظه ای است برای

دیدعوت آحارونوت بن آری ا

گزارش منتشر شده در روز یکشنبه حاکی از آن است که مجتبی خامنه ای حتی قبل از مرگ پدر ۸۵ ساله اش می تواند نقش رهبری را بر عهده بگیرد، زیرا شایعه می شود که رهبر بیمار است. گمانه زنی ها در مورد جانشین رهبر در ماه می پس از سقوط هلیکوپتر ابراهیم رئیسی که پیش از این نقش محسوب می شد، تشدید شد. در حالی که رئیسی جاه طلبی برای این سمت را انکار نکرده بود، گمان می رود این سقوط چشم انداز سیاسی را تغییر داده است.

مجتبی خامنه ای، روحانی مانند پدرش، متولد مشهد و متاهل و دارای دو فرزند است. او شخصیتی پنهان با نفوذ قابل توجه در میان وفاداران پدرش است. پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، خانواده به تهران نقل مکان کردند و مجتبی در دبیرستان فرزندان رهبر انقلاب تحصیل کرد. رشد سیاسی پدرش با ریاست جمهوری او در سال ۱۹۸۱ به اوج رسید.

مجتبی در دهه ۱۹۸۰ در جنگ ایران و عراق خدمت کرد و با افرادی که بعداً به چهره های برجسته دستگاه امنیتی ایران تبدیل شدند، از جمله حسین طائب، ارتباط برقرار نمود. مجتبی در طول سال ها توجه بین المللی را به خود جلب کرده است. در سال ۲۰۱۹، آمریکا او را به همکاری نزدیک با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج، برای پیشبرد جاه طلبی های بی ثبات کننده منطقه ای پدرش متهم کرد.

مجتبی در داخل کشور با اتهامات سرکوب مخالفان مواجه شده است.

منتقدان در ایران استدلال می کنند که مجتبی فاقد اعتبار مذهبی و تجربه مدیریتی برای جانشینی پدرش است. برخی از روحانیون و مفسران، ایده جانشینی سلسله را غیر اسلامی دانسته و آن را به سلطنت تشبیه کرده اند.

در حالی که مجتبی نامزد پیش از شناخته می شود، از چهره های دیگری از جمله محمدمهدی میرباقری، روحانی و سیاستمدار و روحانی علیرضا اعرافی، به عنوان جانشین احتمالی نام برده می شود.

t.ly/cmeZ0

شلیک موشک به روسیه، سرنوشت اوکراین را تغییر نمی دهد

اکنون میست

رسانه های خبری آمریکایی گزارش دادند که جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا، ضمن تغییر رویکرد خود، به اوکراین اجازه استفاده از موشک های دور برد پیشرفته در خاک روسیه را داده است. این تصمیم به طور چشمگیری باعث تغییر سرنوشت اوکراین در خط مقدم نمی شود، اگرچه منجر به تقویت روحیه و قدرت این کشور می شود.

آمریکا برای اولین بار در تابستان سال ۲۰۲۲ به اوکراین پرتابگرهای موشک هایمارس داد. در اواخر سال ۲۰۲۳، پس از بیش از یک سال بحث، تسلیم شد و ATACMS با برد ۳۰۰ کیلومتر را ارائه کرد. اوکراین از این تسلیحات در مناطق تحت اشغال روسیه، از جمله کریمه، استفاده ویرانگر کرد و ۹ هلیکوپتر را در دو حمله در اکتبر منهدم نمود، اما اجازه شلیک آن ها بر فراز مرز روسیه علیه فرودگاه ها، انبارهای مهمات و پست های فرماندهی را نداشت.

بایدن به سه دلیل محدودیت هایی را اعمال کرد. یکی از استدلال های پنتاگون این بود که ذخایر محدودی از ATACMS دارد و برای طرح های جنگی در بخش های مختلف جهان، به ویژه علیه کره شمالی، مورد نیاز است. دوم این بود که ظاهراً کاربرد نظامی آن ها محدود خواهد بود.

سوم، خطر تشدید تنش بود. اوکراین و طرفدارانش این استدلال ها را کنار می گذارند. آن ها استدلال می کنند که بیش از اندازه کافی ATACMS در موجودی آمریکا وجود دارد و آن ها به تدریج با موشک های جدیدتر و دوربرد جایگزین می شوند.

تصمیم بایدن اکنون سه سوال مهم بر جای می گذارد. یکی میزان وارونگی اوست. گزارش ها حاکی از آن است که اوکراین، حداقل در ابتدا، تنها مجاز به استفاده از ATACMS در استان کورسک است. سوال دوم این است که آیا بریتانیا و فرانسه هم اکنون از این روش پیروی خواهند کرد و به اوکراین اجازه خواهند داد از موشک های کروز پیشرفته خود در داخل روسیه استفاده کنند یا خیر.

سومین و مهم ترین مسئله این است که پوتین چگونه پاسخ خواهد داد.

t.ly/wUJFL

برنامه های بی ثمر روسیه برای جایگزینی دلار!



برای مسکو خ نداد. چند هفته قبل از اجلاس، چین، هند و آفریقای جنوبی از نشست وزیران دارایی بریکس که قرار بود در مورد این طرح صحبت شود، صرف نظر کرده بودند.

عدم تمایل سایر اقتصادهای بریکس به همراهی، دلایل مختلفی را نشان می دهد که چرا توسعه مکانیسم های مالی غیر غربی بعید به نظر می رسد ساده باشد.

آیا سیاست گذاران غربی باید نگران پل بریکس باشند؟ مهاجم روسیه به اوکراین در ماه فوریه سال ۲۰۲۲ باعث تجزیه چشم انداز تجارت جهانی بین بلوک های همسوی با ژئوپلیتیک شده است؛ بنابراین جای تعجب نیست که سیستم های مالی به طور فزاینده ای ژئوپلیتیکی می شوند. تهدید ناشی از چنین طرح هایی ممکن است در کوتاه مدت بیش از حد برآورد شود، زیرا دلار و سوئیتف به هیچ وجه نزدیک به از دست دادن هژمونی جهانی خود نیستند. با این حال، می توانیم شرط ببندیم که مکانیسم های مالی غیر غربی در درازمدت به جریان اصلی تبدیل می شوند و بیشتر به تجزیه چشم انداز مالی جهانی دامن می زنند. شاید تنها قطعی این باشد که روسیه همچنان وانمود می کند که با موفقیت تلاش ها را برای راه اندازی طرح های مالی بریکس رهبری می کند.

is.gd/wAsKck

غیر غربی یک ضرورت تقریباً وجودی برای مسکو است و نشان می دهد که چگونه امور مالی به عرصه جدیدی برای رقابت قدرت های بزرگ تبدیل شده است.

آخرین مزیت پل بریکس مربوط به ماهیت دیجیتال آن است. بانک های مرکزی بریکس می توانند به راحتی مکانیزم دیجیتالی را طوری برنامه ریزی کنند که تراکنش هایی را که در تضاد با منافع آن ها است مسدود کند یا در سناریوهای شدید، دسترسی غرب به بازارهایشان را محدود کند. حتی با وجود این سناریوها، ماهیت دیجیتالی پل بریکس ردیابی تراکنش های بین المللی را برای دیکتاتورهای تحت نظارت سنگین مانند روسیه یا چین آسان تر می کند. با پیشروی، اقتصادهای بریکس همچنین می توانند به دنبال یک مزیت محرک در ایجاد یک معماری مالی دیجیتالی جهانی باشند.

با توجه به مزایای بالقوه پل بریکس، ممکن است تعجب برانگیز به نظر برسد که فشار روسیه برای پذیرش این مکانیسم با استقبال گرم در کازان مواجه شود. برنامه های اولیه مسکو این بود که این طرح را در سال ۲۰۲۵ قبل از راه اندازی کامل آن در سال ۲۰۲۷ آزمایش کند. این واقعیت که اکنون این جدول زمانی غیر واقعی به نظر می رسد به عنوان یک تحول کاملاً غیرمنتظره

فارن پالیسی آقاصی دماره

مرور عکس های رسمی اجلاس سالانه بریکس در شهر کازان روسیه در ماه گذشته شگفتی های جالبی را به همراه دارد. در تعدادی از آن ها، ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، اسکانس ماکتی با پرچم پنج کشور اصلی بریکس یعنی برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی در دست دارد. با نگاهی به تصاویر، می توان تصور کرد که بریکس به تازگی یک ارز مشترک را راه اندازی کرده است. این دقیقاً همان چیزی است که مسکو دوست دارد جهان به عنوان بخشی از تلاش خود برداشت کند برای نشان دادن اینکه روسیه در صحنه جهانی منزوی شده است.

اما باناراحتی کرملین، همه چیز در کازان طبق برنامه پیش نرفت. هیچ واحد پولی بریکس راه اندازی نشد و در عناوین رسمی تصاویر پوتین حتی به اسکانس اشاره ای نشده است. کرملین همچنین در تلاش های خود برای اعمال فشار برای پذیرش پل بریکس، مکانیزم مالی که به اقتصادهای این گروه کمک می کند تا کانال های غربی را دور بزنند، شکست خورد. علاقه سایر اعضای بریکس به حدی ملایم بود که این طرح حتی به بیانیه اجلاس نهایی راه نیافت. با این حال، بعید به نظر می رسد روسیه فشار را متوقف کند؛ توسعه مکانیسم های مالی

مجوز آمریکا به اوکراین جهت حمله به روسیه



کوئینسی

مارک اپیسکوپوس |

به طور گسترده، انتظار می‌رفت که دولت بایدن تلاش‌های خود را تا پایان سال افزایش دهد تا ادامه مسیر متفاوت در اوکراین را برای دولت جدید تا حد امکان دشوار و پرهزینه کند.

مقامات آمریکا اخیراً این ابتکار را به عنوان رویکرد «ضد ترامپ» توصیف کرده‌اند و تصمیم کاخ سفید برای نشان دادن چراغ سبز حملات ATACMS اوکراین در داخل خاک روسیه نشان می‌دهد که دولت بایدن تا چه اندازه مایل است تا سیاست ترامپ را به بن بست برساند.

پیش از این تصمیم، هفته‌ها اصرار عمومی توسط جان کربی، سخنگوی کاخ سفید و دیگران مبنی بر اینکه حملات ATACMS در داخل روسیه ارزش عملیاتی محدودی دارد و به دلیل ذخایر نا کافی کم می‌شود، صورت گرفت. این نوع از هم‌گسیختگی و تغییر شدید سیاست‌ها، در رویکرد دولت بایدن غیرمعمول نیست.

قریب الوقوع قدرت به دولت ترامپ است. بنابراین، کرملین با انگیزه‌ای قوی مواجه می‌شود که به شیوه‌هایی علیه ناتو انتقام بگیرد که مذاکرات صلح قریب الوقوع را به خطر بیندازد. با این حال، این اقدام تشدیدکننده بی‌پهلو، روسیه و ناتو را یک قدم به رویارویی مستقیم نزدیک‌تر کرده است.

t.ly/Uf9Lk

خطرات جدی را به همراه دارد و احتمالاً پوتین را وادار می‌کند که بازاندگی را با یک انتقام بزرگ علیه غرب احیا کند. مقامات دولت بایدن، در تلاش برای توجیه خود، اکنون استدلال می‌کنند که این خطرات به مرور زمان کاهش یافته است.

تنها تفاوت قابل توجهی که مطمئناً در مسکو یا کی‌یف از بین نمی‌رود، انتقال

دولت استقرار نظامیان کره شمالی در کورسک را دلیل اصلی لغو این ممنوعیت عنوان کرد. ظاهراً هدف این است که پیونگ‌یانگ را از تعمیق دخالت خود در اوکراین بازدارد. این یک منطق گیج‌کننده است.

جامعه اطلاعاتی قبلاً ارزیابی کرده بود که حملات ATACMS در داخل کشور روسیه

ترامپ نمی‌تواند آفریقا را نادیده بگیرد



نشانی اینترست

لیلی هاروی |

با ورود دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب به دور دوم ریاست جمهوری خود، وی با دستور کار سیاست خارجی مواجه خواهد شد که در حال حاضر مملو از چالش‌های حیاتی است؛ اما در میان مسائل مبرمی مانند جنگ جاری در اوکراین، برنامه هسته‌ای در حال پیشروی ایران و چین تهاجمی یک حوزه وجود دارد که به همین ترتیب نباید نادیده گرفته شود: روابط آمریکا و آفریقا. دور دوم ترامپ باید بر معکوس کردن انحراف طولانی‌مدت در روابط آمریکا و آفریقا تمرکز کند. بی‌توجهی به آفریقا منافع آمریکا را هم در داخل و هم در خارج به خطر می‌اندازد. انجام این کار آسان نخواهد بود. از لحاظ تاریخی، تعامل آمریکا با آفریقا بین غفلت و تعامل سطحی در نوسان بوده است. از جنگ‌های بربری در اوایل قرن نوزدهم تا مداخلات نظامی اخیر، اقدامات آمریکا غالباً منافع محدود را بر مشارکت واقعی در اولویت قرار داده است و بسیاری از کشورهای آفریقایی را در چرخه‌ای از بی‌ثباتی و توسعه نیافتگی گرفتار کرده و در برابر استثمار آن‌ها توسط بازیگران دیگر باز

سیستماتیک نفوذ غرب را تضعیف می‌کند. با این حال، در این تصویر تیره‌وتار، هنوز هم برای آمریکا فضای رقابتی وجود دارد. دولت ترامپ در آینده فرصتی منحصر به فرد برای ایجاد یک مشارکت پویا با آفریقا دارد که فراتر از دیپلماسی متعارف است، روابط اقتصادی را تشدید می‌کند، تعهدات امنیتی را متعادل و تلاش‌های توسعه را احیای می‌کند، در عین حال که از دموکراسی و حقوق بشر دفاع می‌کند.

is.gd/5xxOu0

و مشارکت را تقویت می‌کند که به شدت با دیدگاه‌های اغلب انتقادی مداخله غرب در تضاد است. روسیه همچنین با کشورهای آفریقایی ائتلاف می‌کند و از روابط تاریخی و همکاری نظامی برای جلب حمایت در نهادهای چندجانبه استفاده می‌کند. مسکو با معرفی خود به عنوان یک شریک توسعه و استفاده از رسانه‌هایی مانند راشا تودی و اسپوتنیک برای پیشبرد روایت‌های ضد استعماری، خود را به عنوان جایگزینی برای غرب قرار می‌دهد در حالی که به طور

می‌کند. چین با تجارت سالانه ۲۸۲ میلیارد دلار به عنوان بزرگ‌ترین شریک اقتصادی آفریقا ظاهر شده است. چین از طریق ابتکار کمربند و جاده [BRI] به بهبود زیرساخت‌ها در سراسر این قاره کمک کرده است. علاوه بر این، کمک‌های مالی چین اغلب با شرایط کمتری نسبت به هم‌تایان غربی اش ارائه می‌شود و جذابیت آن را گسترش می‌دهد و کسب و کارهای آمریکایی را از بین می‌برد. این روایت عمیقاً در بسیاری از کشورهای آفریقایی طنین انداز می‌شود و حسن‌قصدانی

پیروزی در جنگ غزه ممکن است؟



فاران افروز نورالراکات / جاش پائول

درگیری جاری غزه یک درگیری منفرد نیست، بلکه بخشی از یک درگیری بزرگ‌تر است که روابط اسرائیل و فلسطین را از سال ۱۹۴۸ در بر می‌گیرد. اقدامات اسرائیل نشان می‌دهد که هدف واقعی آن پایان دادن به آرمان‌های فلسطینی‌ها برای تعیین سرنوشت است. دولت اسرائیل متعهد شده است که این سرزمین را با یهودیان اسرائیلی اسکان دهد، دولت فلسطین را انکار کند و وضعیت پناهندگی فلسطینیان را مشروعیت بخشد. این راه‌حل نظامی برای یک مشکل سیاسی باعث شده است که اسرائیل در منطقه امنیت کمتری داشته باشد، در داخل از ثبات کمتری برخوردار شود و احتمال اینکه راه‌حلی پایدار با فلسطینی‌ها پیدا کند، کم‌تر شده است. جنگ اسرائیل علیه حماس با پیشرفت قابل توجهی در بازبانی گروگان‌ها،

امنیت مرزها و از بین بردن حماس در حال شکست است. با این حال، شواهد خلاف این را نشان می‌دهد. تمایل حماس برای انجام معاملات مختلف، مرز جان مردم غزه را تهدید می‌کند. مرز اسرائیل با غزه اکنون امن‌تر است، اما تنش‌های ناشی از محاصره اسرائیل هنوز حل نشده است. سایر مرزهای اسرائیل از امنیت کمتری برخوردارند

جایگاه ژئوپلیتیکی و اقتصادی آن آسیب وارد کرده است. ترور رهبران حماس و رهبران حزب‌الله با ادامه حملات بی‌امان و جلوگیری از ارسال کمک‌ها در شمال غزه، اهداف اسرائیل را مورد تردید قرار داده است.

این استدلال که اسرائیل در حال برنده شدن در جنگ است، نادرست و خطرناک است، زیرا اسرائیل را تشویق می‌کند تا به رویکرد خود در جنگی که آسیب‌های زیادی به غیرنظامیان وارد می‌کند، ادامه دهد. وزارت بهداشت غزه بیش از ۴۳ هزار کشته را گزارش می‌دهد و آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا گزارش می‌دهد که ۹۶ درصد مردم غزه در معرض خطر قحطی هستند.

درگیری جاری بین اسرائیل و حماس در غزه جنگی جداگانه است که با تهاجم بدون توجیه حماس آغاز شده است. قانونی بودن تصمیمات ارتش اسرائیل بر اساس اقدامات آن‌ها ارزیابی می‌شود. <https://shorturl.at/PBMeT>

توافق آمریکا و عربستان، بخشی از مبارزه برای نظم جهانی است؟



جوئیش نیوز سیندیکیت یاکاو لبین

اسکای نیوز عربی در روز ۱۰ نوامبر گزارش داد که عربستان و آمریکا در حال کار بر روی یک معاهده دفاعی هستند که قرار است تا پایان سال نهایی شود و پیامدهایی برای «تدارکات ثبات» در لبنان و غزه خواهد داشت. طبق گزارش‌ها، دولت بایدن به دنبال حمایت سنای برای این توافق است. به گفته میر بن شبات که بین سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ به عنوان رئیس شورای امنیت ملی اسرائیل خدمت کرد، هیئت‌های اسرائیلی را برای امضای توافق نامه آبراهام رهبری کرد و در حال حاضر ریاست مؤسسه امنیت ملی و استراتژی صهیونیستی [Misgav] را بر عهده دارد، پیمان پیشنهادی «یکی از اجزای یک توافق گسترده‌تر بین دو کشور» است. از دیدگاه واشنگتن، «گسترش و تعمیق روابط با عربستان ممکن است در خدمت منافع آمریکا باشد: سیاسی، امنیتی و اقتصادی، در مبارزه برای نظم نوین جهانی، در رقابت با چین و روسیه و در مبارزه با ایران». وی افزود همچنین پتانسیلی برای پروژه‌های

و ثبات در جهان است. این امر ریشه همه شرارت‌ها در غرب آسیا است و مبارزه با آن نیازمند رویکردی فعال و قاطعانه است. «بن شبات گفت: ترامپ و مردمش همچنین نقش اساسی عربستان را در ثبات غرب آسیا و شکل دادن به نظم جدید درک می‌کنند. در عربستان، آن‌ها مطمئناً می‌توانند رویکرد عملی و واقع‌بینانه‌ای را که ترامپ و مردمش با خود خواهند آورد، به عنوان یک فرصت ببینند.

is.gd/ImtEWV

بزرگ «مانند اتصال هند به مدیترانه، ابتکارات سیاسی مانند عادی‌سازی منطقه‌ای و فرصت‌های اقتصادی و فناوری» وجود دارد.

از دیدگاه ریاض، اگرچه رویکرد «تنوع بخشیدن سیستم‌ها و روابط حمایتی» را اتخاذ کرده است، اما چشم‌انداز سال ۲۰۳۰ عربستان همچنان به سمت غرب است. «نگرش دولت بایدن در سال‌های اولیه‌اش، خانه سلطنتی [عربستان] را به آغوش بکن سوق داد. رویکرد [عربستان] به

تهران نیز به دلیل تقویت و افزایش جسارت ایران در پرتو رویکرد مهارشده‌ای بود که دولت بایدن نشان داد.

بن شبات گفت: تفاوت‌های آن‌ها «مذهبی و قومی است و به دنبال چنین یا توافقی‌های دیگری از بین نمی‌رود.»

وی در مورد اینکه آیا توافق پیشنهادی که تا پایان سال منعقد می‌شود واقع‌بینانه است یا خیر، نمی‌تواند بگوید، اما خاطرنشان کرد: «دولت ترامپ خبر خوبی برای هر کسی است که می‌داند ایران یک تهدید مهم برای صلح

نظر کابینه ترامپ در مورد برنامه او در غرب آسیا



است، برخی کارشناسان فکر می کنند که رویکرد کارآفرینی در منطقه می تواند به نفع دولت آینده باشد.

وقتی صحبت از ایران می شود، اولین دوره ریاست جمهوری ترامپ با کارزار «فشار حداکثری» او تعریف شد؛ زمانی که او از توافق هسته ای دوران اوباما با این کشور خارج شد و با تشدید تحریم ها و حذف فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، قاسم سلیمانی، به دنبال تضعیف حکومت بود. به نظر می رسد این بار ترامپ آماده است تا ایران را تحت فشار بیشتر نسبت به قبل قرار دهد. تیم امنیت ملی جدید ترامپ وعده داده است که بار دیگر فشار اقتصادی بر تهران را افزایش دهد. سوزان مالونی، معاون رئیس جمهور و مدیر برنامه فارین پالیسی در مؤسسه بروکینگز، گفت که دولت او احتمالاً نسبت به دولت بایدن نسبت به کارزار اسرائیل برای تنزل دادن ایران و توانایی های نیابتی اش، خویشترن داری کمتری خواهد داشت؛ اما او هشدار می دهد که دولت دوم ترامپ ممکن است در تکرار موفقیت اولین کارزار تحریمی خود با مشکل مواجه شود.

او گفت: «موفقیت اولیه تحریم های «فشار حداکثری» ترامپ به تمایل قدرت های بزرگی مانند چین برای پایبندی به این تحریم ها متکی بود که مدت ها است از بین رفته است». با این حال، کرورمیچ می گوید اگر تیم ترامپ بتواند اسرائیل و عربستان را به هم نزدیک کند، ضربه ویرانگری به تهران وارد خواهد شد.

<https://B2n.ir/g01329>

در غزه و کرانه باختری را پیش بینی می کرد، بعید است که دولت ترامپ با هرگونه تخلف اسرائیل در صحنه مخالفت کند». ترامپ همچنین یکی دیگر از طرفداران اسرائیل، الیز استفانیک، نماینده حزب جمهوری خواه نیویورک را به عنوان سفیر آمریکا در سازمان ملل معرفی کرده است. پس از حمله ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ به اسرائیل، استفانیک از منتقدان سرسخت مدیریت سازمان ملل در مناقشه بود. او همچنین به دلیل رویارویی با روسای دانشگاه ها در جریان تحقیقات کنگره در باره یهودی ستیزی در پردیس های دانشگاهی در سال ۲۰۲۳ خبرساز شد. ایجاد روابط دیپلماتیک بین اسرائیل و عربستان تنها هدفی بوده است که سیاست منطقه ای دولت بایدن را قبل و بعد از حمله حماس به اسرائیل در ۷ اکتبر هدایت می کند؛ اما در اولین دوره ریاست جمهوری خود، ترامپ همچنین در جهت ادغام اسرائیل با کشورهای عربی کار کرد و در نهایت بر میانجیگری توفاقات آبراهام که شامل توفاقات دو جانبه بین اسرائیل و امارات و اسرائیل و بحرین است، نظارت کرد. یکی از اولین تصمیمات پرسنلی رئیس جمهور منتخب، انتصاب استیون ویتکاف، تاجر نیویورکی که با ترامپ در مار-آ لاگو کلف بازی می کرد، زمانی که او در ماه سپتامبر هدف سوء قصد قرار گرفت؛ مانند هاکی، ویتکاف از حامیان قوی اسرائیل با تخصص محدود در سیاست خارجی است؛ اما اگر چه تجربه مذاکره او به جای معاملات صلح بر فروش ملک متمرکز

از جمله میزبانی تورها در اماکن مقدس در این کشور. او همچنین چندین اظهار نظر عمومی در حمایت از گسترش اسرائیل در کرانه باختری اشغالی ارائه نموده و از گفتن اینکه سرزمین فلسطین «اشغال شده»، خودداری کرده است. هاکی در سال ۲۰۱۷ با استفاده از اصطلاحات اسرائیلی برای سرزمینی که در سطح بین المللی به عنوان کرانه باختری به رسمیت شناخته شده است، گفت: «لغات خاصی وجود دارد که من از به کار بردن آن ها خودداری می کنم. چیزی به نام کرانه باختری وجود ندارد. این منطقه یهودا و سامره است.» برخی بر این باورند که انتخاب او نشان می دهد که دولت دوم ترامپ ممکن است به پیگیری طولانی آمریکا برای راه حل دو کشوری برای حل مناقشه اسرائیل و فلسطین پایان دهد. خالد الگیندی، مدیر برنامه انستیتوی غرب آسیا در امور فلسطین و اسرائیل در مؤسسه خاورمیانه، معتقد است که حمایت آمریکا از الحاق کرانه باختری به اسرائیل و اشغال دائم نوار غزه ممکن است زمانی که ترامپ قدرت را در دست گیرد «قریب الوقوع» باشد. او گفت: «در دوران ترامپ، آمریکا به ارائه تسلیحات نامحدود به اسرائیل ادامه خواهد داد، اما بدون هیچ گونه تظاهر به نگرانی در مورد جان غیر نظامیان، قوانین آمریکا یا قوانین بین المللی که در دوره دولت بایدن حاکم بود».

الگیندی افزود: «برخلاف جو بایدن که گهگاه نارضایتی از دولت بنیامین نتانیاهو و رفتار آن

ای بی سی نیوز شانون کینگستون

تاکنون، نامزدهای پیشنهادی دونالد ترامپ و انتصاب هادر بالاترین رده های دولتی شامل انتخاب های غیر متعارف و حتی بحث برانگیز نبوده؛ اما وقتی نوبت به مواضعی می شود که سیاست خارجی آمریکا را هدایت می کند، ترامپ گزینه های محافظه کار متعارف تر و جمهوری خواهانی را انتخاب کرده که سابقه ای طولانی حمایت قاطع از اسرائیل و دیدگاه های جنگ طلبانه در مورد دشمنان ایالات متحده از جمله ایران دارند.

تقریباً به محض اینکه مشخص شد ترامپ در انتخابات پیروز شده است، بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، تبریک خود را به خاطر آنچه که او آن را «بزرگ ترین بازگشت تاریخ» خواند، به اشتراک گذاشت.

در آستانه انتخابات، نتانیاهو تلاش چندانی برای پنهان کردن ترجیح خود برای ترامپ انجام نداد؛ زیرا معتقد بود که رئیس جمهور سابق می تواند دمدمی مزاج باشد. به گفته مقامات آمریکایی، او احتمالاً به اسرائیل اختیار می دهد تا امنیت ملی خود را مدیریت کند و جنگ هایش علیه حماس و حزب الله را محاکمه کند. اکنون به نظر می رسد که شرط بندی نتانیاهو در آستانه نتیجه دادن است. ترامپ اعلام کرد که مایک هاکی، فرماندار سابق آرکانزاس را به عنوان سفیر خود در اسرائیل انتخاب کرده است.

هاکی تجربه کمی در مورد سیاست غرب آسیا دارد، اما او ده ها سفر به اسرائیل داشته است،

آخرین شانس آمریکا برای نگه داشتن جنوب جهانی

سورین

افول آمریکا

روزنامه



اقتصادی مناسبی را ارائه نکرده است و شرکای آن همچنان از بی میلی آمریکا برای تعهد به تجارت دیجیتال ابراز تأسف می کنند. دولت ترامپ می تواند با هدایت سرمایه گذاری های جدید، مقابله با پروژه های زیربنایی و پیشروی اصلاحات در نهادهای جهانی، از ریاست گروه ۲۰ برای افزایش رفاه برای جنوب جهانی و آمریکا استفاده کند. ترامپ با پرهیز از اظهارات آتش زو سیاست های تحریک آمیز می تواند به کشورهای در حال توسعه نشان دهد و نتایجی را نشان دهد. ایجاد یک دستور کار متمرکز جنوب جهانی در سال ۲۰۲۵ می تواند منافع آمریکا را در دسترس بهتری به بازارهای جدید قرار دهد و پروژه های تأثیرگذار را هدایت کند. آمریکا باید تلاش های دیپلماتیک در مجامع بین المللی مانند گروه ۲۰، گفت و گوی چهار جانبه آمینیتی (Quad) و مشارکت آتلانتیک را در اولویت قرار دهد و تلاش های اصلاحی را برای تأثیرگذاری بر نهادهای چند جانبه رهبری کند. دولت ترامپ می تواند با آجی بانگا، رهبر بانک جهانی روابط برقرار کند و توصیه هایی را برای گذار سبز اجرا کند. گروه ۲۰ می تواند در اصلاح بانک های توسعه چند جانبه رهبری کند. آمریکا همچنین باید مجدداً به شرکت مالی توسعه بین المللی مجوز دهد، بانک صادرات و واردات را گسترش دهد و قانون رشد و فرصت آفرینار را روز کند. دولت ترامپ باید بر فروش پتانسیل گروه ۲۰ به آمریکا تمرکز کند و از هند برای ایجاد حمایت داخلی استفاده کند. قدرت خرید گروه ۲۰ فرصت هایی را برای مشاغل آمریکا فراهم می کند، از جمله نوآوری در انرژی و فناوری کشاورزی که از این موارد هستند. همکاری میان کشورهای گروه ۲۰ و جنوب جهانی برای مقابله با تهدیدات جهانی بسیار مهم است. ترامپ باید فرصت منحصر به فردی را که ریاست گروه ۲۰ برای جذب کشورهایی که نمی توانند از دست بدهند، به رسمیت بشناسد.

<https://shorturl.at/Kl22q>

ریاست ها خواهد بود که اولویت های جدیدی را ارتقا داده و چشم اندازهای معناداری را برای اصلاحات ایجاد کرده اند. گروه ۲۰ دارای مزیت نسبی در اعطای مشروعیت به اقدام جمعی در دوره ای است که بسیاری از کشورهای جنوبی جهانی احساس می کنند که گروه ۷ دیگر برای این هدف مناسب نیست. ریاست جمهوری اندونزی در سال ۲۰۲۲ بر نیاز به بهبود عدالت و سلامت جهانی تأکید کرد، در حالی که هند از اصلاحات در مؤسسات چند جانبه و افزایش وام های کمکی حمایت کرد. برزیل توسعه پایدار، فقر، گرسنگی، نابرابری و اصلاحات در نهادهای حکمرانی جهانی را در اولویت قرار داد. سیریل رامافوسا، رئیس جمهور آفریقای جنوبی، متعهد به تقویت چند جانبه گرایی و تسریع تلاش ها برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار سازمان ملل شده است. ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۲۶ باید با توجه به اهمیت کشورهای جنوب جهانی، بازارهای بین المللی سریع در حال رشد و مشارکت های ژئوپلیتیک قوی، از این نمونه ها پیروی کند. آمریکا باید نظم بین المللی فراگیرتری را برای جلب اعتماد با کشورهای جنوبی جهانی تقویت کند. نظم بین المللی امروز نسبت به یک دهه پیش کمتر لیبرال به نظر می رسد و عواقب آن بر جمعیت های آسیب پذیر می افتد. فجایع اقلیمی و جنگ ها ده ها میلیون نفر را آواره کرده اند و همه گیری کووید باعث افزایش فقر جهانی شده است. چین به دنبال گسترش نفوذ ژئوپلیتیکی خود و کاهش چالش های مازاد ظرفیت داخلی از طریق تعامل با جنوب جهانی از طریق ابتکار کمربند و جاده (BRI) است. با این حال، کشورهای در حال توسعه دسترسی کافی به بازارهای آمریکا یا جایگزین های مناسب برای سرمایه گذاری چینی ندارند. دولت باید با دیدهای سطح بالایی از کشورهای جنوبی جهانی انجام داده، اجلاس سران آمریکا و آفریقا را تجدید کرده و در قالب های جدید برای تعامل با شرکای سرمایه گذاری کرده است، اما با این حال، سیاست آمریکا پیشنهاد های

فان افز

لسلی وینجاموری / مکس یولی

آمریکا با کاهش محبوبیت و نفوذ خود، در حال شکست در جنوب جهانی است. کشورهای جنوب جهانی آمریکا را به ریاکاری متهم کرده اند و رد تجارت آزاد توسط آمریکا فرصت های دسترسی به بازار را کاهش داده است. مبارزه نامتناسبی که بسیاری از کشورهای جنوبی جهانی پس از همه گیری کرونا با آن مواجه شدند، اتهامات ریاکاری را بیشتر دامن زد. آمریکا باید با قدرت های در حال رشدی مانند برزیل، هند و اندونزی برای مقابله با چالش های جهانی مشارکت کند. سیاست خارجی دونالد ترامپ خطرات را افزایش داده است، اما خواسته های جمعی جنوب جهانی برای حل مشکلات محوری باقی خواهد ماند. موفقیت دولت ترامپ به تدوین راهبردی بستگی دارد که مشارکت های واقعی و فرصت های سودمند متقابل را ارائه دهد، نه اینکه بقیه جهان را به میدان بازی برای مقابله با نفوذ چین تقلیل دهد. اگر ترامپ بتواند رویکرد خود را تعدیل کند، آمریکا می تواند از ریاست گروه ۲۰ در سال ۲۰۲۶ استفاده کند که بستری منحصر به فرد برای اصلاح روابط خود با جنوب جهانی فراهم می کند. گروه ۲۰ که تقریباً ۸۰ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی را تشکیل می دهد، مرحله ای حیاتی برای رهبری مجدد آمریکا است. با این حال، سهم اعضای آن از تولید ناخالص داخلی جهانی پس از پایان جنگ سرد یک سوم کاهش یافته است. دور دوم ترامپ تهدیدی برای تضعیف انسجام مجمع پیرامون ارزش های مشترک است. با آماده شدن آمریکا برای ریاست مجدد گروه ۲۰، رقابت برای رهبری جنوب جهانی افزایش یافته است و کشورهایی مانند چین، برزیل و هند به عنوان جایگزینی برای رهبری غرب ظاهر می شوند. واشنگتن باید در داخل نشان دهد که چرا استراتژی بهتری برای تعامل با جنوب جهانی ایجاد می کند. ریاست جمهوری آمریکا به دنبال طیف بی سابقه ای از

روسیه دوست ایران است یا دشمن؟



نیوزویک

جوزف اپستاین |

ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، می‌گوید که در جودو کمر بند مشکمی دارد، همان‌طور که دوست دارد بگوید جودو درس مهم زندگی به او آموخته است یعنی انعطاف‌پذیری.

در واقع، هیچ قاعده‌ای بر دکتین سیاسی روسیه، به‌ویژه در صحنه بین‌المللی، تأثیر بیشتری نداشته است. با وجود یک اتحاد ۳۰ ساله، روسیه پس از بازپس‌گیری قره‌باغ کوهستانی توسط آذربایجان، منطقه‌ای که ارمنستان قبلاً با کمک روسیه تصرف کرده بود، مداخله نکرد. پس از ۳۲ سال روابط تا حدودی دوستانه، روسیه نیز ناگهان با اسرائیل دشمنی کرد و پس از بیش از ۲۰ سال روابط ضعیف، روسیه روابط خود را با عربستان تقویت کرد. پوتین این روزها به راحتی بر اساس علایق خود عمل می‌کند. ارمنستان در حال تغییر جهت خود به سمت غرب است. اتخاذ موضع ضد اسرائیلی در مورد غزه به خشنود شدن مسکو از ایران، غلبه بر آمریکا و افزایش جذابیت روسیه در کشورهای در حال توسعه

منطقه‌ای با ثبات خود بماند در حالی که ایران می‌خواهد به استفاده از دمشق در جنگ با اسرائیل ادامه دهد. قبل از حمله به اوکراین در سال ۲۰۲۲، روسیه تقریباً در سوریه حرفی برای گفتن داشت، به‌ویژه پس از نصب سامانه موشکی اس-۴۰۰ که قادر به رهگیری جت‌های جنگنده اف-۱۶ است. همان‌طور که یک مقام دفاعی اسرائیل در آن زمان گفت، «مگس نمی‌تواند بدون رضایت روسیه بر فراز سوریه پرواز کند.»

روسیه این موضوع را بر سر اسرائیل و ایران حفظ کرد و باعث شد هر دو طرف به پوتین رسیدگی کنند. گاهی اوقات مسکو به ایران اجازه می‌داد که از طریق سوریه به حزب‌الله سلاح قاچاق کند. گاهی اوقات به اسرائیل اجازه می‌دهد تا اهداف ایرانی را بمباران کند. این اولین باری نبود که مسکو برای به دست آوردن قدرت بر هر دو طرف خود را در میانه یک درگیری قرار می‌داد. این کشور از تاکتیک‌های مشابهی با ارمنستان و آذربایجان استفاده کرده و به هر دو طرف تسلیحات فروخته است. is.gd/6NSdDg

با استیک کوتاه برد را به روسیه داد. هر دو کشور در آستانه امضای یک معاهده استراتژیک مورد انتظار هستند که شامل همکاری‌های دفاعی نزدیک‌تر می‌شود. اخیراً، دو کشور سیستم‌های بانکی خود را برای کمک به فرار از تحریم‌های غرب به هم مرتبط کردند. برای باقی ماندن در قدرت در طول جنگ داخلی سوریه که تقریباً او را برکنار کرد، بشار اسد، رئیس‌جمهور روسیه و ایران دعوت و استقلال سوریه را قربانی کرد و در حالی که مسکو و تهران نقاط همکاری پیدا کرده‌اند، اهداف متضادی دارند. روسیه می‌خواهد سوریه دست‌نشانده

کمک کرد. عربستان و روسیه منافع متقابلی را در سوریه، ترکیه و تولید نفت کشف کرده‌اند. اما اکنون روسیه ممکن است خود را برای یک محور دیگر آماده کند ولی این بار دور از ایران. دو دلیل روشن برای تغییر سیاست وجود دارد از جمله تضعیف ایران در سوریه و ارمنستان و استفاده از موقعیت خود به عنوان یک بازیگر در غرب آسیا برای کسب امتیاز برای توافق صلح در اوکراین. مطمئناً روسیه و ایران اخیراً در سطح بی‌سابقه‌ای همکاری کرده‌اند. در ماه سپتامبر، ایران موشک‌های

جروزالم پست

دستیابی اسرائیل به اسناد کمک‌های مالی جمهوری اسلامی به حماس

جروزالم پست روز سه‌شنبه ۲۹ آبان اعلام کرد: ارتش اسرائیل به اسنادی دست یافته که نشان می‌دهد جمهوری اسلامی در ۲۰ سال گذشته، سالانه ده‌ها میلیون دلار پول را از ایران به منابع حماس انتقال داده است.

این اسناد در جریان عملیات ارتش اسرائیل در نوار غزه و همچنین بازجویی از «تروریست‌های حماس» که در طول جنگ به اسارت درآمده‌اند، به دست ارتش و نهادهای امنیتی رژیم صهیونیستی افتاده است.

بر اساس این گزارش، جمهوری اسلامی به‌ویژه از سال ۲۰۱۴ به حامی اصلی استراتژیک حماس تبدیل شده و تجهیزات نظامی، آموزش و همچنین کمک مالی به مبلغ صدها میلیون دلار برای رهبری و شاخه نظامی حماس را فراهم کرده است.

این اسناد نشان می‌دهد جمهوری اسلامی علاوه بر حمایت از فعالیت‌های نظامی حماس، به پشتیبانی از دیگر سازمان‌های تروریستی در نوار غزه و تامین مالی پروژه‌های غیرنظامی، آموزشی و فرهنگی در این باریکه نیز مشغول بوده است.

سایر حوزه‌ها

تایمز اسرائیل

حماس دیگر در غزه حکمرانی نخواهد کرد

بنیامین نتانیاها، نخست‌وزیر اسرائیل، در جریان بازدید از گذرگاه «نتساریم» در نوار غزه بر پایان حکمرانی حماس در این منطقه تأکید کرد و هشدار داد آسیب زدن به گروهان‌های اسرائیلی، توانی سنگین در پی خواهد داشت.

نشریه «تایمز اسرائیل» گزارش داد: بنیامین نتانیاها پایان دادن به حکمرانی حماس در غزه را «هدف مهم» عملیات ارتش اسرائیل در این منطقه ذکر کرده و گفته است که «حماس در غزه حکمرانی نخواهد کرد.»

نخست‌وزیر اسرائیل تأکید کرد که ارتش این رژیم پس از نابود کردن توانمندی‌های نظامی حماس، در مرحله بعدی «قابلیت‌های حکمرانی» این گروه را هدف قرار خواهد داد. بنیامین نتانیاها که در بازدید از ارتش اسرائیل از سوی اسرائیل کاتز، وزیر دفاع و ژنرال هنری هالوی، رئیس ستاد کل ارتش اسرائیل، همراهی می‌شد، بار دیگر بر بازگرداندن تمامی گروهان‌های اسیر در دست حماس تأکید کرد.

او خطاب به گروهان‌گیرها هشدار داد «هرکسی که جرات کند به گروهان‌های ما آسیب برساند، مسئولیت خواهد داشت. ما آن‌ها را تعقیب کرده‌ و از پادرمی آوریم.»

اوکراین یک جنگ نیابتی برای قدرت‌های آسیایی است

سورین

شرق آسیا

مقر هیات‌های امنیتی
وزارتخانه

فان بالیسی
جفری هورنونگ |

تردیدها در مورد حمایت مستمر آمریکا از اوکراین مدت‌ها قبل از پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری از پیش تعیین شده بود و آن‌ها نگرانی‌هایی را در مورد توانایی کی‌یف برای حفظ دفاع خود در برابر جنگ مسکو مطرح کرده‌اند. این نگرانی‌ها پویایی مهم دیگری را در یک درگیری پیچیده تحت الشعاع قرار داده است: دخالت فزاینده قدرت‌های آسیای شرقی در جنگ اروپایی. علاوه بر ورود اخیر حداقل ۱۰ هزار سرباز کره شمالی به طرف روسیه، نقش در حال تحول چین، ژاپن و کره جنوبی این سؤال را مطرح می‌کند که آیا این یک جنگ نیابتی در حال گسترش در اوکراین است یا خیر. با همه شواهد، پاسخ مثبت است: جنگ سابقه جدیدی را برای کشورهای هند و اقیانوسیه ایجاد می‌کند تا برای منافع خود در صحنه جهانی رقابت کنند. جنگ نیابتی زمانی است که دو کشور به طور غیرمستقیم البته با حمایت از شرکت‌کنندگان در حال جنگ در یک کشور ثالث با یکدیگر می‌جنگند. نمونه‌های کلاسیک دوران جنگ سرد عبارت‌اند از بحران کنگو در دهه ۱۹۶۰

به لهستان را به شدت افزایش داده است که بخشی از آن در روزهای اولیه جنگ، تحویل به اوکراین را تکمیل کرد. پس از خبر ورود نیروهای کره شمالی به روسیه، سؤال اکنون در حال بررسی سطح حمایت بیشتر است و ابده تأمین مستقیم سلاح‌های دفاعی و تهاجمی کی‌یف را مطرح می‌کند. انگیزه‌های جنگ نیابتی مشابهی برای توکیو و سؤال وجود دارد. توکیو به عنوان یک قدرت موجود، منافع راهبردی در تضمین عدم تزلزل نظم موجود دارد، از جمله ممنوعیت تغییر مرزها به زور پس از جنگ جهانی دوم. همان طور که فومبو کیشیدا، عضو مجلس نمایندگان ژاپن هشدار داد، «اوکراین امروز ممکن است فردای آسیای شرقی شود.» سؤال، علاوه بر نگرانی‌هایش در مورد اتحاد نظامی جدید بین پیونگ‌یانگ و مسکو همچنین به دلیل نیاز به خنثی کردن تلاش‌ها برای تغییر وضعیت موجود از طریق اجبار انگیزه دارد. یون سوک یول، رئیس‌جمهور کره جنوبی، سال گذشته به آسوشیئد پرس گفت که «جنگ در اوکراین به همه ما یادآوری کرده است که یک بحران امنیتی در یک منطقه خاص می‌تواند تأثیری جهانی داشته باشد.»

is.gd/R3oxs5

جماهیر شوروی مشارکت خود را در تلاش برای جلوگیری از پیروزی نیابتی ابرقدرت دیگر ادامه دادند. در حالی که کره جنوبی نیز از تحویل تسلیحات به اوکراین خودداری کرده است، اما کمک‌های بشردوستانه قابل توجهی و سایر حمایت‌های غیرکشنده مانند تجهیزات مین‌زدایی، جلیقه‌ی ضد گلوله و کلاه ایمنی ارائه کرده است. این کشور همچنین به تحریم‌های اقتصادی علیه مسکو پیوسته است و مانند ژاپن، ذخایر تسلیحات آمریکا را دوباره پر کرده است و گلوله‌های توپخانه‌ای را به آمریکا عرضه می‌کند و در نتیجه توانایی واشنگتن برای ارسال گلوله به اوکراین را آزاد می‌کند. به طور مشابه، کره جنوبی صادرات دفاعی

و بحران آنگولا در دهه ۱۹۷۰، زمانی که اتحاد جماهیر شوروی و آمریکا هر یک از جناح‌های متخاصم در یک جنگ داخلی با پول، اسلحه و گاهی اوقات سربازان از کشورهای دیگر حمایت کردند اما هرگز مستقیماً درگیر جنگ نشدند. همه جنگ‌های نیابتی شبیه به هم نیستند یا از الگوی استاندارد پیروی نمی‌کنند. گاهی اوقات، حمایت یک قدرت خارجی از یک طرف، آن قدرت را به مداخله مستقیم سوق می‌دهد. به دخالت تدریجی آمریکا در جنگ ویتنام یا حمله شوروی به افغانستان برای حمایت از دولت درگیر در آنجا فکر کنید. حتی زمانی که تلاش‌های نظامی نیابت‌هایشان کاهش یافت، آمریکا و اتحاد

صدای آمریکا

سازمان حقوق بشر

رویترز

جمهوری اسلامی باید بابت عدم همکاری با آژانس پاسخگو شود

سخنگوی وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد که واشنگتن در هماهنگی کامل با شرکای اروپایی خود، از تلاش‌ها برای پاسخگو کردن ایران بابت عدم همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی حمایت می‌کند. متیو میلر درباره گزارش‌های اخیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و تلاش سه کشور اروپایی برای تویبج جمهوری اسلامی به دلیل عدم همکاری با این نهاد نظارتی سازمان ملل متحد گفت: «پیش از نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ما کاملاً با شرکای خود در اروپا هماهنگ هستیم و قویاً از تمام تلاش‌ها برای پاسخگو کردن حکومت ایران حمایت می‌کنیم.»

میلر افزود: «من قصد ندارم اقداماتی را که ممکن است طی چند روز آینده و در مشورت با شرکای خود انجام دهیم، پیش‌بینی کنم، اما تأکید می‌کنم که کاملاً با آن‌ها هماهنگ خواهیم بود.»

ibit.ly/yGsN1

تلاش «لحظه آخری» جمهوری اسلامی برای جلوگیری از قطعنامه آژانس

خبرگزاری رویترز گزارش داد که جمهوری اسلامی پیشنهاد داده ذخایر اورانیوم غنی شده خود تا سطح ۶۰ درصد را افزایش ندهد، مشروط به اینکه قدرت‌های غربی نیز از تصویب قطعنامه‌ای علیه جمهوری اسلامی در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی صرف‌نظر کنند. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در یکی از دو گزارش محرمانه خود اعلام کرده که جمهوری اسلامی اقدامات مقدماتی برای اجرای این پیشنهاد را آغاز نموده، اما دیپلمات‌های غربی این پیشنهاد را «تلاش در آخرین لحظه» برای جلوگیری از محکومیت توصیف و تأکید کرده‌اند که غنی‌سازی ۶۰ درصدی هیچ توجیه غیرنظامی ندارد و این کشور می‌تواند به راحتی این روند را سر بگیرد. گزارش رویترز همچنین اشاره می‌کند که ذخایر اورانیوم غنی شده جمهوری اسلامی تا تاریخ ۲۶ اکتبر به ۱۸۲.۴ کیلوگرم رسیده است، که طبق معیارهای آژانس برای تولید چهار سلاح هسته‌ای کافی است. این در حالی است که جمهوری اسلامی همواره دستیابی به سلاح هسته‌ای را انکار کرده است.

ibit.ly/wkf-M

سیاست خارجی آمریکا در قبال آسیای میانه

**مدرن دیپلماسی
میراث‌های آسیای**

دونالد ترامپ هنوز به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا کار خود را آغاز نکرده است، اما با این حال برنامه سیاست خارجی مشروح او در حال حاضر در سراسر صحنه جهانی بازتاب دارد. بدیهی است که در رویکرد آمریکا در رقابت با قدرت‌های بزرگ، تعدیل‌های قابل‌توجهی انتظار می‌رود و بسیاری از این تغییرات قبلاً ترسیم یا نشان داده شده است، اما با این حال، در میان تمرکز بر تنظیم مجدد روابط با قدرت‌های بزرگ و مناطق دارای اهمیت استراتژیک، یک منطقه به دلیل ابهام خود برجسته می‌شود و آن آسیای میانه است. برخلاف سایر مناطق که جهت‌گیری‌های سیاست‌حداقلی نسبت به آمریکا دارند، سیاست آینده آمریکا در قبال آسیای میانه همچنان یک معما باقی مانده است.

این عدم وضوح سؤالات مهمی را در مورد موقعیت منطقه در چارچوب گسترده‌تر سیاست خارجی آمریکا تحت دولت جدید ایجاد می‌کند. آسیای میانه که مدت‌ها در سیاست خارجی آمریکا به حاشیه رفته بود، به‌طور سنتی از درجه سودمندی آن برای اهداف آمریکا در افغانستان نگرسته می‌شد. اهمیت استراتژیک منطقه تحت الشعاع نگرانی‌های فوری تری در اوکراین و غرب آسیا قرار گرفته است. در دوران بایدن، جنگ در اوکراین بر دستور کار ژئوپلیتیکی مسلط بود و فضای کمی برای تعامل معنادار در آسیای میانه باقی نگذاشت، اما با این حال، با بدبینی کاملاً مستند ترامپ نسبت به دخالت بلندمدت آمریکا در اوکراین و مسئله افغانستان که اکنون ظاهراً از روی میز خارج شده است، آسیای میانه به‌عنوان منطقه‌ای با پتانسیل استراتژیک استفاده نشده ظاهر می‌شود.

این تغییر می‌تواند آسیای میانه را به‌عنوان یک عنصر محوری در استراتژی خارجی آمریکا قرار دهد. این منطقه در تقاطع حوزه‌های نفوذ روسیه و چین قرار دارد و آن را به تأثیری مهم برای رقابت قدرت‌های بزرگ تبدیل می‌کند. جغرافیای استراتژیک،

ثروت منابع و نقش روبه‌رشد آن در اتصال جهانی از طریق کریدور میانی اهمیت آن را برجسته می‌کند. شناخت و اقدام بر روی این پتانسیل می‌تواند نشان‌دهنده انحراف چشمگیر از تمرکز محدود دولت‌های قبلی بر منطقه باشد و زمینه را برای تعامل قوی‌تر و استراتژیک‌تر با آسیای میانه تحت دولت تحت رهبری ترامپ فراهم کند. در این سناریوی در حال تحول، ثبات منطقه به دو عامل حیاتی بستگی دارد. اول، کشورهای آسیای میانه باید استراتژی‌هایی را که به دقت طراحی شده‌اند، برای همکاری اتخاذ نموده، روابط خود را با قدرت‌های خارجی متعادل و در عین حال، خودمختاری منطقه‌ای را حفظ کنند. دوم، حمایت مستمر و معنادار غرب ضروری خواهد بود. این حمایت باید فراتر از تعاملات سطحی و یا اقداماتی برای مبارزه با تروریسم یا نگرانی‌های دموکراسی باشد. آسیای میانه نیازمند یک رویکرد جامع و آینده‌نگر است که بر توسعه اقتصادی، سرمایه‌گذاری زیرساختی و مشارکت‌های سیاسی برای افزایش انعطاف‌پذیری منطقه در برابر فشارهای خارجی تأکید دارد. آسیای میانه دارای پتانسیل‌های بکر برای مقابله با نفوذ روسیه و چین و همچنین برای پیشبرد استقلال اقتصادی و استراتژیک غرب است.

به‌عنوان مثال، کریدور میانی، جایگزین مناسبی برای تجارت بین قاره‌ای و ترانزیت انرژی است که وابستگی به مسیرهای تحت سلطه چین و روسیه را کاهش می‌دهد. منابع غنی منطقه، از ذخایر انرژی گرفته تا پتانسیل انرژی‌های تجدیدپذیر و مواد معدنی کمیاب، همگی فرصت‌های حیاتی را برای تنوع بخشیدن به زنجیره‌های تأمین جهانی و تقویت انعطاف‌پذیری غرب در بخش‌های حیاتی را فراهم می‌کند. نادیده گرفتن این فرصت‌ها نه تنها منافع آمریکا را تضعیف می‌کند، بلکه موقعیت استراتژیک آن را در دنیای چندقطبی فزاینده تضعیف می‌کند. پنجره پیش روی آمریکا و متحدانش برای تعمیق همکاری با آسیای میانه کاملاً باز است، اما به‌طور پیوسته در حال محدود شدن است. این منطقه در مقطع حساسی قرار دارد و با آسیب‌پذیری‌های فزاینده‌ای ایجاد می‌کند که نیازمند سرمایه‌گذاری هدفمند در ارتباط اقتصادی، امنیت غذا و آب و انعطاف‌پذیری آب‌وهوا است. این مناطق نه تنها فرصت‌هایی را برای تعامل معنادار نشان می‌دهند، بلکه به‌عنوان نقاط اهرمی حیاتی برای ثبات منطقه و تقویت خودمختاری آن عمل می‌کنند. یکی از فوری‌ترین اولویت‌ها، تحول

دیجیتالی منطقه است. بدون سرمایه‌گذاری، فناوری و تخصص مهم غرب، کشورهای آسیای میانه ممکن است گزینه کمی جز اتخاذ زیرساخت‌های دیجیتال چینی از طریق طرح‌هایی مانند جاده ابریشم داشته باشند. این تغییر، نفوذ چین در منطقه را بیشتر تقویت می‌کند و پیامدهای گسترده‌ای خواهد داشت. وابستگی به سخت‌افزار و نرم‌افزارهای چینی می‌تواند آسیای میانه را در معرض خطرات امنیت سایبری قرار دهد، حاکمیت اطلاعات درست را به خطر بیندازد و همسویی تکنولوژیکی آن با چین را عمیق‌تر کند و هنجارها و استانداردهای غربی را در مناطق حساس به حاشیه ببرد. مخاطرات زیاد است؛ اگر غرب نتواند اهمیت استراتژیک فزاینده آسیای میانه را به رسمیت بشناسد، این منطقه با تمام بی‌ثباتی و بلا تکلیفی که مستلزم آن است، در خطر تبدیل شدن به یک میدان جنگ مورد مناقشه بین چین و روسیه قرار می‌گیرد. در مقابل، یک استراتژی متفکرانه و پایدار غربی می‌تواند به آسیای میانه کمک کند تا به الگویی از چندجانبه‌گرایی عمل‌گرا تبدیل شود که نه تنها به خود منطقه بلکه به نفع ثبات جهانی باشد.

<https://tinyurl.com/247we7ue>

حُرکت‌های دریایی چین در آمریکای جنوبی

سورپس

نظامی

موضوعات امنیتی

روزنامه

۱۱

آینده خودداری می‌کنند یا در صورتی که دولت سیاست‌هایی را اتخاذ کند که آن‌ها را ناراضی کند، اقدامات موجود را محدود کنند؛ سیاست‌هایی مانند همسویی با آمریکا در مورد مسائل مربوط به امنیت. رهبران حزب می‌توانند آمریکایی‌های لاتین را مجبور کنند که بین رفاه و همبستگی نیمکره‌ای یکی را انتخاب کنند. امید است که دولت ریاست جمهوری آینده و کنگره به چالش‌های نیمکره‌ای مانند این توجه داشته باشند. آمریکای لاتین به خودی خود شایسته توجه است، اما همچنین نشان‌دهنده یک بردار جنوبی در رقابت استراتژیک آمریکا علیه چین است.

<https://B2n.ir/q72074>

است که مورد علاقه جغرافیدانان اقتصادی است. زنجیره ماهان فروشندگان داخلی را به خریداران خارج از کشور متصل می‌کند و در عین حال اطمینان می‌دهد که سفرهای تجاری به این‌و آن طرف بدون مزاحمت باقی می‌مانند. از آنجایی که پکن پروژه‌هایی را که توسعه اقتصادی در کشورهای دریافت‌کننده را تقویت می‌کند تأمین مالی می‌کند، به خاطر داشته باشید که توسعه برای هر کشور در حال توسعه یک کار است، اهرم دیپلماتیکی را در مقابل دولت‌های آمریکای لاتین خریداری می‌کند. رهبران حزب کمونیست می‌توانند تهدید کنند که از سرمایه‌گذاری‌های هنگفت برای تلاش‌های زیرساختی

آغاز یک تور دیپلماتیک یک هفته‌ای از آمریکای جنوبی به لیما، پرو رفت. شی سفرهای خود را با بازدید از ریودوژانیرو برزیل برای شرکت در نشست گروه ۲۰ تکمیل کرد. کشورهای دریانورد چیزی را که ماهان به «زنجیری» از قدرت دریایی تشبیه می‌کند، به کار می‌برند. آن‌ها توان صنعتی داخلی را برای تولید اجناس برای فروش به شرکای تجاری خارج از کشور جمع‌آوری می‌کنند. این حلقه بازگشت به خانه در زنجیره است. آن‌ها ناوگانی از کشتی‌های تجاری می‌سازند تا آن کالاهای کشتی‌های جنگی را حمل کنند تا به عنوان نگهبان کشتی‌های تجاری که از دریا عبور می‌کنند عمل کنند. نیروی دریایی یک نسخه مسلح از زنجیره تأمین

نشنال اینترست جیمز هلمز

دونالد ترامپ برای رقابت با چین باید به جنوب نگاه کند. ۲۱ سال پیش، من اولین مقاله ژورنالی خود را در «استراتژی تطبیقی»، با مشاهده‌ای غیرمجاز که آثار آلفرد تایلر ماهان، تاریخ‌دان و نظریه‌پرداز دریانوردی آمریکایی، در چین کمونیستی که در جستجوی شکوفایی اقتصادی و قدرت نظامی نگاه خود را به دریا انداخته بود، پایان دادم. ایده‌های ماهان جذابیتی برای جوامع دریایی فراتر از زندگی و زمانه او و فراتر از آمریکای شمالی ایجاد می‌کند.

پنجشنبه گذشته، شی جین پینگ، دبیر کل حزب کمونیست چین، برای

چگونه آمریکا قطب شمال را از دست داد

خاکستری» به خوبی برخوردار نمی‌کند. از بین بردن وضعیت موجود قطب شمال برای دستاوردهای پیام‌رسان سیاسی کوتاه‌مدت برای واشنگتن نتیجه معکوس داشته است؛ و این فقط مربوط به امور سخت امنیتی نیست. چین فقط قطب شمال را بین المللی کرده است، بنابراین صحبت از کشورهای «غیرقطبی» واقعاً سود چندانی ندارد. به عنوان مثال، ممنوعیت شرکت‌های چینی در زمینه خاک‌های کمیاب در سراسر قطب شمال منجر به فعالیت بیشتر شرکت‌های استرالیایی در قطب شمال شده است. بایدن اجازه داده است که درخشش استثنای غربی قطب شمال از بین برود و با از بین بردن «نرده‌های محافظ برای مدیریت رقابت و حل اختلافات»، واشنگتن اکنون خود را صحنه دیگری می‌بیند که در آن برای رقابت با چین آماده نیست. بازدارندگی به همان اندازه که مستلزم احتمالات دفاعی مقدماتی است، به گفت‌وگو نیاز دارد. ترامپ اکنون وظیفه دشواری دارد که پکن و مسکو را از هم جدا کند تا منافع متقابل روسیه و آمریکا را در احیای هر ظاهری از «تنش کم» در قطب شمال پیدا کند.

<https://B2n.ir/a58082>



سوالبارد ساخته شده است. اخیراً، پکن با برافراشتن پرچم‌های چین و پرسنل با لباس نظامی، پیروزی‌های تحقیقاتی خود را در ایستگاه جشن گرفت. آیا روسیه معتقد است که معاهده سوالبارد، سنگ بنای نظم مبتنی بر قوانین در قطب شمال، حفظ خواهد شد؟ کور چونوف به طور دیپلماتیک بر علاقه روسیه به «حفظ و اجرای حسن نیت تمام مفاد» تأکید می‌کند. البته اجرای «حسن نیت» به اندازه تفسیر مهم است. اینجاست که هم روسیه و هم چین موفق می‌شوند ما را کنار بگذارند. واشنگتن با «مناطق

مسیرهای حمل و نقل آینده. واشنگتن اهرم ناچیزی برای بازگرداندن مسکو به قطب شمال دارد. منطق چین برای تعامل در منطقه قطب شمال روسیه به شدت توسط کارشناسان قطب شمال مورد مناقشه قرار گرفته است. سفیر طولانی مدت همکاری بین المللی در قطب شمال، کور چونوف خاطر نشان می‌کند که «همکاری با چین توسعه زنجیره‌های تأمین کارآمد را تسهیل می‌کند». هویت قطب شمال چین فراتر از تعامل با روسیه، عمدتاً بر اساس موقعیت فیزیکی آن در ایستگاه رودخانه زرد،

نشنال اینترست الیزابت بوکانان

رقابت ژئواستراتژیک در قطب شمال همچنان زیاد است. روسیه از نظر جغرافیایی بزرگ‌ترین ذینفع قانونی قطب شمال است (بیش از ۵۰ درصد خط ساحلی قطب شمال قلمرو روسیه است).

در سال ۲۰۲۲، پس از تهاجم روسیه به اوکراین، وضعیت موجود قطب شمال به طور غیرقابل برگشتی از هم پاشید. با این وجود، شورای قطب شمال (تنها مجمع مدیریت منطقه) برنامه‌های کاری با روسیه را به حالت تعلیق درآورد. در حالی که تعامل منتخب از سر گرفته شده است، مسکو به طور استراتژیک بر دوری غرب از روسیه در مجمع قطب شمال سرمایه‌گذاری کرد و برای تنوع بخشیدن به مشارکت‌های قطب شمال خود در جاهای دیگر تلاش کرد.

چین و هند حامیان اصلی موقعیت کوتاه‌بینانه واشنگتن در قطب شمال بوده‌اند. به بیان ساده، روسیه دیگر علاقه چندانی به تلاش‌های عملکردی در قطب شمال ندارد. این یک چالش حیاتی در افق برای همه ذینفعان قطب شمال است، چه از نظر منافع ملی مشروع (سرزمینی یا اقتصادی) و چه از نظر منافع جهانی در زنجیره تأمین و

فورچن - یانگ / ایلوس

دوره دوم ترامپ چه معنایی برای اوکراین، ناتو و اتحادیه اروپا دارد

شرق صادق نیست. در واقع، هم استونی و هم لهستان درصد بیشتری از تولید ناخالص داخلی خود را صرف دفاع می کنند تا اینکه موضع انزوطلبانه ترامپ وعده بودجه کمتر آمریکا را نمی دهد که باعث می شود آینده جنگ در منطقه بسیار متفاوت به نظر برسد. رویکرد معاملاتی ترامپ در سیاست خارجی، اوکراین را وادار خواهد کرد تا برای پایان دادن به جنگ امتیازات ارضی بدهد. این مسئله می تواند شامل فشار بر اوکراین برای واگذاری کنترل سرزمین های تحت اشغال روسیه مانند کریمه و دونباس و به خطر انداختن حاکمیت و تمامیت ارضی اوکراین باشد. چنین اقدامی نه تنها پوتین را جسور می کند، بلکه سابقه خطرناکی را برای سایر نظام های اقتدارگرا که به دنبال گسترش نفوذ خود از طریق تهاجم نظامی هستند، ایجاد می کند.

is.gd/2UXN6v

سیاست گذاران اروپا باید پیامدهای امنیتی برای اروپا و چگونگی حفظ دموکراسی را در نظر بگیرند. در منطقه فوری ترین تغییر در دولت دوم ترامپ، کاهش کمک های نظامی و اقتصادی آمریکا به اوکراین خواهد بود. ترامپ بارها از سطح دخالت آمریکا در درگیری انتقاد کرده و پیشنهاد کرده است که اروپا باید مسئولیت دفاعی خود را بیشتر بپذیرد. ترامپ در دوره قبلی ریاست جمهوری خود اغلب از متحدان اروپایی ابراز ناامیدی می کرد و آن ها را متهم می کرد که به اندازه کافی برای امنیت خود، به ویژه در ناتو مشارکت نمی کنند و از روسیه می خواست با هر کشور ناتو که سهم منصفانه خود را نمی پردازد، «هر کاری می خواهد بکند». این امر ممکن است برای اعضای «اروپایی قدیمی» اتحادیه اروپا مانند فرانسه، آلمان و ایتالیا صادق باشد، اما برای اعضای جدیدتر در

انتخاب دونالد ترامپ نقشه انتخاباتی آمریکا را دوباره ترسیم کرده است، اما برنامه سیاست خارجی ترامپ احتمالاً پیامدهای گسترده ای برای نقشه ژئوپلیتیک اروپا نیز دارد. از سال ۲۰۱۶، ترامپ انحرافات قابل توجهی از تجارت معمول را پیشنهاد کرده است: کاهش دخالت آمریکا در ناتو، دادن امتیازات قابل توجه به ولادیمیر پوتین و حتی خرید گرینلند. حالا که ترامپ پیروز شده، آینده چه خواهد بود؟ اگر اوکراین نتواند در برابر تهاجم روسیه مقاومت کند و یا روی حمایت غرب حساب کند، چه کسی می تواند بگوید که بالتیک از تهاجم مشابه مسکو معاف خواهد بود؟ با تجربه بیشتر، اعتماد به نفس یک فرمان مردمی و یک نیمکت عمیق از وفاداران آماده برای پر کردن صفوف وزارت خارجه آمریکا، رأی دهندگان آمریکا و

پولیتیکو / الناجیوردانو

درخواست فنلاند از ناتو و اتحادیه اروپا برای محافظت از شبکه های حیاتی

آسیب می بیند و نگرانی هایی را در مورد امنیت و خرابکاری ایجاد می کند. شرکت مخابراتی [Telia Lietuva] یکی از شعبه های تلیا کمپانی سوئد، روز دوشنبه گزارش داد که کابل دیگری در دریای بالتیک بین لیتوانی و جزیره گوتلاند سوئد صبح یکشنبه آسیب دیده است. در ماه اکتبر سال گذشته، خط لوله گاز [Balticconnector] و کابل مخابراتی فنلاند و استونی آسیب دیدند. کابل مخابراتی که استونی را به سوئد متصل می کرد نیز در همان شب به همراه یکی از کابل های مخابراتی روسیه در خلیج فنلاند آسیب دید. تحقیقات از آن زمان بر روی یک کشتی چینی به نام [Newnew Polar Bear] متمرکز شد که در یکی از این حوادث در منطقه حضور داشت. هاگانن چنین حملاتی به زیرساخت های حیاتی در آب های بین المللی را «نوعی مسئله جدید» توصیف کرد و گفت که جلوگیری از آن دشوار است. این کابل های زبرداری به احتمال زیاد سخت ترین بخش های جوامع ما برای محافظت در هنگام قرار گرفتن در زیر آب های بین المللی، در بستر دریا هستند. به همین دلیل است که این کار برای کشورهای غربی بسیار دشوار است.

is.gd/ICSTRQ



و انگلیس در بیانیه مشترک روز سه شنبه نسبت به تشدید فعالیت های ترکیبی مسکو علیه کشورهای ناتو و اتحادیه اروپا هشدار دادند و آن ها را در مقیاس و تأثیر بالقوه بی سابقه خواندند. با این حال، رسانه سوئدی اس وی تی شامگاه سه شنبه از وجود تصاویر ماهواره ای خبر داد که نشان می دهد یک کشتی چینی در مجاورت کابل ها آسیب دیده است. به گزارش اس وی تی، کشتی های نیروی دریایی دانمارک قایق چینی را در دریای بالتیک ردیابی کردند. این دومین بار در یک سال است که زیرساخت های دریای بالتیک که شامل کابل های ارتباطی و خطوط لوله انرژی مانند نورد استریم می شود،

آنتی هاگانن، وزیر دفاع فنلاند، روز سه شنبه گفت که ناتو و اتحادیه اروپا باید بازی خود را برای محافظت از خود در برابر تهدیدات ترکیبی و دفاع از کابل های زبرداری در برابر حملات افزایش دهند. هاگانن پس از نشست شورای روابط خارجی اتحادیه اروپا در بروکسل، به پولیتیکو گفت: ناتو و اتحادیه اروپا باید کارهای بیشتری برای محافظت از این زیرساخت حیاتی انجام دهند. اظهارات هاگانن پس از اعلام روز دوشنبه توسط شرکت شبکه فنلاندی [Cinia] مبنی بر اینکه در حال بررسی آسیب کابل اینترنت زبرداری است که سانناهامینا، یک جزیره و از محله های شرقی هلسینکی را به روستوک، آلمان متصل می کند، می باشد. این حادثه باعث نگرانی سیاسی در برلین و هلسینکی شد. بوریس پیستوربوس، وزیر دفاع آلمان، روز سه شنبه این خسارت را «خرابکاری» خواند. هاگانن به پولیتیکو گفت: «ما می دانیم که روسیه توانایی و تمایل انجام خرابکاری در اروپا را دارد.» و البته، ما در حال بررسی [این] نوع آسیب ها نیز با این دیدگاه هستیم، یعنی خرابکاری وجود دارد؛ زیرا واقعاً بعید است که این مسئله نوعی حادثه طبیعی باشد. وزرای خارجه آلمان، فرانسه، لهستان، ایتالیا، اسپانیا

امریکن کانزروتیو / علی ریزک

فرصت به دست آمده برای ترامپ در خصوص لبنان



در حالی که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا، برای دومین دوره ریاست‌جمهوری خود آماده می‌شود، نشانه‌هایی وجود دارد که لبنان ممکن است نقطه کانونی سیاست غرب آسیایی او باشد. ترامپ در این زمینه از خود نشانه‌هایی بروز داده و این امیدواری را ایجاد کرده است که بازگشت او به کاخ سفید ممکن است به رنج این کشور ویران شده از جنگ پایان دهد. اولویت دادن به صلح در لبنان تا آنجا که می‌تواند تنش‌ها را در غرب آسیا و به ویژه با ایران کاهش دهد، به منافع آمریکا خدمت می‌کند و با سیاست خارجی «اول آمریکا» هم‌خوانی دارد. این امر به ترامپ ۲۰ اجازه می‌دهد تا بر موضوعات مبرم‌تری مانند رقابت با چین تمرکز کند؛ اما برای موفقیت چنین تلاشی، ترامپ باید سیاست دیرینه واشنگتن علیه حزب‌الله لبنان را کنار بگذارد.

قبل از پیروزی در انتخابات، رئیس‌جمهور منتخب تعهد کتبی برای پایان دادن به جنگ در لبنان را امضا کرد، جایی که عملیات نظامی اسرائیل از ماه اکتبر گذشته تاکنون جان ۳ هزار و ۵۰۰ نفر را گرفته است. خبر این بیانیه پس از بازدید ترامپ از یک رستوران لبنانی در میشیگان، محل استقرار بزرگ‌ترین جامعه لبنانی آمریکا، منتشر شد که با اکثریت قاطع به نامزد جمهوری خواه رأی دادند.

در نشانه دیگری از اینکه چگونه ممکن است لبنان در ترامپ ۲۰ مورد توجه ویژه قرار گیرد، رئیس‌جمهور منتخب در هفته‌های پایانی قبل از انتخابات مصاحبه‌ای اختصاصی با شبکه ام‌تی‌وی لبنان انجام داد و قول داد که اوضاع برای مردم این کشور در شرایط کنونی به خوبی پیش خواهد رفت.

ترامپ که اهمیت ویژه‌ای به لبنان می‌دهد، با رویکرد سیاست خارجی تحت تأثیر خانواده‌اش در غرب آسیا سازگار است. جرد کوشنر، داماد بزرگ و نقش بزرگی را در توافقنامه آبراهام در دوران ترامپ ۱۰ ایفا کرد که توسط آن آمریکا با موفقیت در عادی‌سازی روابط بین اسرائیل و چندین کشور عربی میانجیگری کرد.

کوشنر متعلق به یک خانواده یهودی ارتدوکس است که روابط دیرینه‌ای با بنیامین نتانیاها، نخست‌وزیر اسرائیل دارد. چارلز کوشنر، پدر او نیز به دلیل کمک مالی به طرح‌های طرفدار اسرائیل مشهور است. با توجه به تأثیر کوشنر در شکل‌دهی سیاست

غرب آسیایی ترامپ در دوره اول ریاست‌جمهوری، چندان تعجب‌آور نخواهد بود که در دور دوم ریاست‌جمهوری منتخب، پویایی مشابهی وجود داشته باشد، فقط این بار با مایکل بولوس، داماد جدیدش که از سال ۲۰۲۲ با تیفانی دختر دوم ترامپ ازدواج کرده است.

بولوس از یک خانواده مسیحی لبنانی می‌آید که گفته می‌شود با شخصیت‌های سیاسی برجسته لبنانی مانند سلیمان فرنگیه، متحد نزدیک حزب‌الله و نامزد مورد نظر جنبش شیعی برای ریاست‌جمهوری لبنان که بیش از دو سال است خالی بوده، ارتباط دارد.

در حال حاضر نشانه‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد خانواده بولوس ممکن است به شدت در سیاست ترامپ ۲۰ غرب آسیا دخالت داشته باشد. مسد، پدر بولوس، به عنوان مشاور کارزار انتخاباتی ترامپ برای جلب رأی اعراب-آمریکایی کار می‌کرد. شایعه شده که او به عنوان جایگزین احتمالی آموس هوکشتاین، مرد اصلی دولت بایدن برای لبنان است. بولوس بزرگ اخیراً با وزرای کابینه و قانون‌گذاران لبنان نیز دیدارهایی داشته است.

تضمین آتش‌بس در لبنان بدون شک می‌تواند راه درازی را به سوی دستیابی به ثبات منطقه‌ای گسترده‌تر انجام دهد.

به‌رغم اندازه کوچکش، لبنان به دلیل بازتاب پویایی قدرت گسترده‌تر در غرب آسیا شناخته شده است. مهم‌تر از آن، پایان دادن به جنگ در لبنان می‌تواند برای دستیابی به توافقی جدید با ایران، چیزی که ترامپ آشکاراً اعلام کرده

است که می‌خواهد دنبال کند، حیاتی باشد. با این حال، این امر مستلزم کنار گذاشتن سیاست ضد حزب‌الله است که برای دهه‌ها بر رویکرد آمریکا در قبال لبنان مسلط بوده است، حتی اگر جنگ پایان یابد. وقایعی که پس از ترور حسن نصرالله، رهبر سابق حزب‌الله توسط اسرائیل در اواخر ماه سپتامبر رخ داد، حاکی از اهمیتی است که ایران برای لبنان و رابطه ویژه آن با جنبش شیعی لبنان قائل است.

تنها چند روز پس از ترور نصرالله، ایران حمله موشکی گسترده‌ای را به اسرائیل انجام داد که بسیار سنگین‌تر از حمله قبلی بود که در ماه آوریل انجام داده بود. پس از آن، [آیت‌الله] خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب در مراسم بزرگداشت نصرالله سخنرانی عمومی نادری را به دنبال داشت.

با توجه به اینکه چگونه حزب‌الله یک منافع ملی حیاتی برای ایران را نمایندگی می‌کند، کاهش تمرکز بر تضعیف جنبش شیعی لبنان می‌تواند یک اقدام اعتمادساز مهم باشد که ممکن است به ترامپ کمک کند تهران را به میز مذاکره برای بحث درباره توافق هسته‌ای و احتمالاً حتی یک تفاهم منطقه‌ای گسترده‌تر بیاورد. پیگیری چنین رویکردی تقریباً مطمئن است که شانس موفقیت بیشتری نسبت به کارزار فشار حداکثری که در طول ترامپ ۱۰ انجام شد، خواهد داشت. به‌رغم شدت تحریم‌های اعمال شده در آن کارزار، برنامه هسته‌ای ایران به توسعه ادامه داد و تهران به تقویت روابط خود با بلوک شرق به رهبری چین و روسیه ادامه داد.

is.gd/th2LNk



• خبرگزاری فرانسه گزارش داد که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، روز سه‌شنبه ۲۹ آبان، فرمانی را امضا کرد که به مسکو این امکان را می‌دهد تا در صورت حمایت قدرت‌های هسته‌ای از کشور مهاجم به روسیه، از تسلیحات هسته‌ای علیه کشورهای غیرهسته‌ای استفاده کند. این تصمیم در هزارمین روز حمله نظامی روسیه به اوکراین و پس از آن اتخاذ شد که دولت جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا، به کی‌یف اجازه داد از موشک‌های دوربرد برای هدف قرار دادن اهداف نظامی داخل روسیه استفاده کند.

• شماری از کشورهای اروپایی روز سه‌شنبه ۲۹ آبان توافق کردند که همکاری نزدیک‌تر با یکدیگر را برای توسعه دفاع موشکی، جنگ الکترونیک و سایر تسلیحات نظامی تقویت کنند. بسیاری از کشورهای اروپایی در سال‌های اخیر هزینه‌های دفاعی خود را در پی تهاجم روسیه به اوکراین و تا حدی ترس از کاهش تعهدات دفاعی آمریکا در دوره دوم ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، که منتقد ائتلاف نظامی ناتو است، افزایش داده‌اند. بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید بار دیگر هزینه‌های دفاعی اعضای ناتو را در کانون توجهات قرار خواهد داد.

• آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد، از غارت «سیستماتیک» کمک‌های بشردوستانه در غزه انتقاد کرد. استفان دو جاریک، سخنگوی دبیر کل سازمان ملل، از جانب آنتونیو گوترش خواستار پایان «غارت مسلحانه سیستماتیک» شد و آن را مانعی علیه عملیات امدادی و تهدیدی برای جان کارکنان این سازمان بین‌المللی برشمرد.

• وزیر دفاع فرانسه از کشورهای ثروتمند حاشیه خلیج فارس خواست تا راهی برای تقویت نیروهای مسلح لبنان پیدا کنند و افزود که این نیروها برای تأمین امنیت مناطق مرزی به‌ویژه در پی جنگ اسرائیل با حزب الله بسیار مهم خواهند بود. سیاست‌های لکونو به خبرگزاری فرانسه گفت که کشورهای حاشیه خلیج فارس که غنی از منابع نفتی و گازی هستند باید «حمایت عملیاتی» خود از نیروهای لبنانی را در بخش نظامی تقویت کنند.

• به گزارش خبرگزاری رویترز، ولودیمیر زلنسکی در جریان یک سخنرانی مجازی در پارلمان اروپا با اشاره به اینکه ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، اکنون ۱۱ هزار سرباز کره شمالی را در مرزهای اوکراین مستقر کرده، گفت که این تعداد ممکن است به ۱۰۰ هزار تن افزایش یابد. سازمان جاسوسی کره جنوبی نیز هفته گذشته اعلام کرد که نیروهای کره شمالی در عملیات جنگی علیه نیروهای اوکراینی شرکت کرده‌اند.

• وزارت دفاع روسیه اعلام کرد چند روز پس از آن که جو بایدن، محدودیت‌های استفاده کی‌یف از تسلیحات ساخت آمریکا را کاهش داد، اوکراین ۶ موشک دوربرد «اتکمز» را به بریانسک در مرز شمالی دو کشور شلیک کرده است.

• مانعت از حضور اسحاق هرتزوغ، رئیس‌جمهور اسرائیل، در اجلاس محیط زیستی کاپ ۲۹ در آذربایجان، نقطه عطفی در انزوای بین‌المللی این رژیم منحوس است. این اتفاق نشان‌دهنده نقش پررنگ افکار عمومی و ملت‌های منطقه در فشار بر دولت‌هاست.

• آموس هوکشتاین، مشاور ارشد جو بایدن در غرب آسیا، از وجود «فرصتی واقعی» برای خاتمه دادن به درگیری میان اسرائیل و حزب الله لبنان خبر داد. این مقام ارشد آمریکایی که به لبنان سفر کرده، روز سه‌شنبه ۲۹ آبان پس از دیدار با نبیه بزی، رئیس پارلمان لبنان، در نشست خبری اعلام کرد دلیل بازگشتش به این کشور «وجود فرصتی واقعی برای پایان دادن به این درگیری» است.

• گیدئون ساعر، وزیر امور خارجه اسرائیل، تصمیم اتحادیه اروپا برای تشدید تحریم‌ها علیه حکومت ایران را تحسین کرد و آن را برای مقابله با تهدیدهای جمهوری اسلامی «ضروری» دانست. ساعر در پستی در شبکه «ایکس» نوشت که تحریم‌های جدید اتحادیه اروپا که روز دوشنبه ۲۸ آبان به دلیل حمایت‌های ایران از حمله روسیه به اوکراین اعلام شد، «گامی ضروری در مبارزه جامعه بین‌المللی علیه تهدیدهای جمهوری اسلامی است که بزرگ‌ترین خطر برای امنیت و ثبات در غرب آسیا، اروپا و کل جهان محسوب می‌شود». اتحادیه اروپا در واکنش به حمایت حکومت ایران از تهاجم نظامی روسیه به اوکراین، کشتیرانی جمهوری اسلامی و مدیر عامل آن محمدرضا مدرس خیابانی را تحریم کرد.

• آمریکا ۶ مقام ارشد حماس از جمله نماینده‌های این گروه شبه‌نظامی در خارج، یک عضو ارشد گردان‌های عزالدین قسام، شاخه نظامی حماس و افرادی را که در جمع‌آوری کمک ملی و قاچاق سلاح به غزه مشارکت داشته‌اند، تحریم کرد. دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانهداری آمریکا (اوفاک) در بیانیه‌ای تأکید کرد که حماس هنوز به مقاماتی وابسته است که نقش‌هایی آشکار و به ظاهر مشروع در داخل گروه دارند، ولی در اصل فعالیت‌های تروریستی آن‌ها را تسهیل کرده و یا منافعشان در خارج از کشور را حفظ می‌کنند و در هماهنگی برای انتقال پول و کالا به غزه نقش دارند.

• ارتش رژیم صهیونیستی اعلام کرد که یک پهپاد را که از «سمت شرق» به سوی اسرائیل پرتاب شده بود، سرنگون کرده است. به گفته منابع نظامی، «سمت شرق» معمولاً به پرتاب از خاک عراق اشاره دارد. این پهپاد پیش از ورود به حریم هوایی اسرائیل هدف قرار گرفته و منهدم شد.

• صدراعظم آلمان روز سه‌شنبه ۲۹ آبان از «عدم شفافیت» بیانیه پایانی گروه ۲۰ در مورد مسئولیت روسیه در قبال جنگ اوکراین و حماس برای درگیری‌های غرب آسیا انتقاد کرد. اولاف شولتز با اشاره به گذشت ۱ هزار روز از آغاز تهاجم روسیه به اوکراین و رنج مردمان این کشور افزود: «این قابل قبول نیست که رهبران کشورهای بزرگ صنعتی جهان نمی‌توانند کلماتی را در بیانیه خود بگنجانند که مشخصاً روسیه را مسئول آغاز جنگ در اوکراین معرفی کند.»

• آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا، برای نخستین بار ادمنودو گونزالس، رهبر مخالفان ونزوئلا، را «رئیس‌جمهور منتخب» این کشور خواند. آمریکا مادورو را به تقلب در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۸ جولای متهم کرده است، انتخاباتی که به گفته مقامات انتخاباتی و دادگاه عالی ونزوئلا، مادورو در آن پیروز شد. در مقابل، مخالفان اعلام کرده‌اند که نتایج ثبت‌شده توسط ناظران نشان‌دهنده پیروزی روشن ادمنودو گونزالز است.

الرأی / خیرالله خیرالله

موضع ترامپ در برابر نقش ایران و چین در جنگ اوکراین



پوتین همچنین مجبور شد برای ادامه جنگ اوکراین از کره شمالی کمک بگیرد. اکنون نیروهای کره شمالی در روسیه حضور دارند. همه می‌دانند که این امر بدون رضایت چین به هیچ وجه امکان پذیر نبود، به ویژه اینکه بدون تایید و پوشش یکن، کره شمالی نمی‌تواند با ارسال نیرو به روسیه، چنین اقدام مخاطره‌آمیزی انجام دهد. همان‌طور که جمهوری اسلامی از آغاز جنگ اوکراین در آن نقش داشت، چین هم به گونه‌ای وارد این صحنه شد تا نقش موردنظر را در جنگ اوکراین ایفا کند. این تحول که توجه اروپایی‌ها را به خود معطوف کرد، نمی‌تواند از محدوده نگرانی و توجه رئیس‌جمهور منتخب آمریکا دور بماند. اگر ترامپ به دنبال پایان دادن به جنگ اوکراین باشد، باید راهبردی را دنبال کند که آبروی پوتین را حفظ می‌کند؛ به ویژه اینکه نیروهای روسیه به‌رغم آسیب‌ها و تلفات سنگینی که تاکنون متحمل شده‌اند، در اوکراین به پیشرفت‌هایی نیز دست یافته‌اند. باید برای پایان جنگ طرحی ارائه شود که نه تنها برای پوتین و اروپا، بلکه برای رئیس‌جمهور اوکراین هم قابل پذیرش باشد. شاید بتوان گفت که فرمول معقول و تاحدی قابل پذیرش این است که اوکراین شبه جزیره کریمه را به روسیه واگذار کند و در مقابل، نیروهای روس خاک این کشور را به تدریج ترک کنند. با این حال، هنوز این پرسش مطرح است که آیا این راه حل می‌تواند مسیر خروج ولادیمیر پوتین، اروپا و رئیس‌جمهور اوکراین را از تنگنای دشواری که در آن قرار گرفته‌اند، هموار کند؟

ibit.ly/kzNK5

رویای بازگرداندن شکوه اتحاد جماهیر شوروی را در سر می‌پروراند و قصد دارد اروپا را به وضعیت قبل از فرو ریختن دیوار برلین در سال ۱۹۸۹ بازگرداند. اگر اوکراین به دست ارتش روس‌ها بیفتد، کشورهای همسایه و نزدیک به آن از جمله لهستان که قبلاً از اتحاد جماهیر شوروی و آلمان نازی آسیب‌های زیادی را متحمل شده است، تحت نفوذ روسیه قرار خواهد گرفت. افزون بر آن، سه کشور بالتیک (استونی، لتونی و لیتوانی) هم که در اوایل دهه ۱۹۹۰ از اتحاد جماهیر شوروی جدا شدند، با تهدیدهای جدیدی مواجه خواهند شد. از سوی دیگر، ترامپ باید تحولات بسیار مهمی را که از زمان شروع حمله روسیه به اوکراین رخ داده است، در نظر بگیرد. روسیه نه تنها با ارتش عظیمش نتوانست کنترل کی‌یف را به دست آورد، بلکه جنگ اوکراین عقب‌ماندگی تسلیحات روسی و شکاف بین آن‌ها و سلاح‌های غربی را آشکار کرد. پوتین در حالی به دنبال کسب اعتبار قدرت نظامی ارتش روسیه و تسلیحات آن است که جامعه روسیه گرفتار بحران‌های متعدد است؛ از جمله بحران سالخوردگی و اینکه مردم آن به داشتن خانواده‌های پرجمعیت علاقه‌ای ندارند. تداوم جنگ و گذشت زمان مشخص کرد که محاسبات پوتین درباره حمله به اوکراین چقدر اشتباه بود. جنگ اوکراین میزان وابستگی روسیه به همکاری چین و پهپادهای جمهوری اسلامی را افزایش داد. رئیس‌جمهور روسیه برای عبور از تنگنای جنگ اوکراین ناگزیر شد به سمتی که هرگز نمی‌خواست، دست کمک دراز کند. به عبارت دیگر، روسیه ناخواسته در آغوش چین افتاد.

پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، اوکراین را با چالش‌ها و تحولاتی ناشناخته مواجه کرد. مشخص نیست که موضع آمریکا در قبال جنگ اوکراین تغییر خواهد کرد یا اینکه دولت ترامپ در مسیر انعقاد توافق با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، گام بر خواهد داشت؟ در همه پرسشی که روزنامه فرانسوی لوموند اخیراً منتشر کرد، اکثر مردم اوکراین دادن هرگونه امتیاز به روسیه در قلمرو این کشور را رد کردند. این بدان معناست که جامعه اوکراین با آشفتگی عمیقی روبروست که با پیشروی گام به گام نیروهای روسیه در خاک این کشور، در حال افزایش است. تردیدی نیست که موضع آمریکا در قبال جنگ اوکراین با بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید تغییر می‌کند، زیرا وی در برابر جنگ اوکراین که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه آن را در ۲۲ فوریه ۲۰۲۲ علیه کشور همسایه‌اش به راه انداخت، دیدگاهی کاملاً متفاوت دارد.

با توجه به همین امر، ترامپ در جریان کارزارهای انتخاباتی خود وعده داد که این جنگ را ظرف ۲۴ ساعت متوقف خواهد کرد. پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری پنجم نوامبر، ترامپ تصمیم گرفت با ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، تلفنی گفت‌وگو کند. در این گفت‌وگو، ایلان ماسک، میلیاردر و کارآفرین مشهور که از طرف ترامپ به‌عنوان وزیر وزارت «کارآمدی» تعیین شده است نیز حضور داشت.

پرسشی که در این میان مطرح خواهد شد، این است که موضع آمریکا در قبال اوکراین تا چه اندازه تغییر خواهد کرد و این بر روابط آمریکا با کشورهای اروپایی چه تأثیری خواهد گذاشت؟ با این حال، از وضعیت بحران چین برمی‌آید که ترامپ نمی‌تواند در موضع آمریکا در قبال اوکراین تغییر راهبردی چندانی ایجاد کند، زیرا هرگونه تغییر در این زمینه به معنای پیروزی روسیه در اوکراین است که بر کشورهای اروپا تأثیر می‌گذارد و وحدت این قاره را به چالش می‌کشد. این تحولی چالش برانگیز است که دولت آمریکا بدون توجه به موضع خصمانه ترامپ در قبال سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و اصرار هم‌زمان او بر مشارکت بیشتر اروپا در بودجه این پیمان، وقوع آن را نمی‌پذیرد.

دولت آمریکا نمی‌تواند در جدایی از اروپا، گام بلندی بردارد؛ به ویژه اینکه هر کشوری در قاره کهن بر این باور است که اشغال بخشی از خاک اوکراین از خواسته‌های ولادیمیر پوتین است که

فاینشال تایمز / جان برن مرداک

ترامپ اعتماد مردم آمریکا به دموکرات‌ها را از بین برد

جناح چپ حرکت کرده‌اند. این جابجایی‌ها تصویر حزب دموکرات را در ذهن رأی دهندگان تغییر می‌دهد. داده‌های نظرسنجی نشان می‌دهد که در هر انتخابات از سال ۱۹۴۸ تا ۲۰۱۲، تصویر رأی دهندگان آمریکایی از دموکرات‌ها به عنوان حزبی بود که برای طبقه کارگر و فقرا ایستادگی می‌کرد. در سال ۲۰۱۶ تغییر کرد و اکنون این حزب در درجه اول به عنوان حزب حمایت از اقلیت‌ها دیده می‌شود.

این تحول برجستگی همبستگی طبقاتی و اقتصادی را کاهش داده است. حوزه‌ای که در آن فرانس و لاپیران‌خبران دموکرات را بیشتر از همتایان جمهوری خواه خود با مردم هماهنگ می‌کنند و مسائل اجتماعی فرهنگی را افزایش داده است، جایی که حزب جمهوری خواه در زمینه محکم تری قرار دارد.

همان طور که پیش بینی می‌شد، این منجر به هم‌سوپی نژادی در ۵ نوامبر شد و محافظه‌کاران اسپانیایی تبار و سیاه‌پوست به طور فزاینده‌ای در راستای ارزش‌های اجتماعی خود و نه اولویت‌های اقتصادی خود رأی دادند.

<https://B2n.ir/x14032>

لاپیرا در اندیشکده Data for Progress دریافتند که این «نخبگان سیاسی» اغلب دیدگاه‌هایی در رأی دهندگان عادی و حتی رأی دهندگان متوسط دموکرات در مورد مسائل فرهنگی دارند. این می‌تواند موقعیت‌هایی را ایجاد کند که در آن سیاست‌ها و لفاظی‌ها همان گروه‌هایی را که هدف آن‌ها هستند از خود بیگانه کند. در حالی که ۷۳ درصد از دموکرات‌های ترقی خواه سفیدپوست طرفدار کاهش تعداد و دامنه نیروهای پلیس هستند، تنها ۳۷ درصد از سیاه‌پوستان آمریکایی موافق هستند. یک مطالعه جدید توسط آماندا سحر دورسو و مارسل رومن، به ترتیب در دانشگاه‌های جورج تاون و هاروارد، نشان داد که استفاده از اصطلاح بی‌طرفی جنسیتی «لاینکس» که توسط برخی از ترقی خواهان استفاده می‌شود، نه تنها در میان بسیاری از آمریکایی‌های اسپانیایی تبار به شدت منفور بود، بلکه ممکن است فعالانه برخی را به سمت ترامپ سوق داده باشد.

رأی دهندگان آمریکا همچنین تصور می‌کنند که دموکرات‌ها بسیار بیشتر از آنچه جمهوری خواهان در سال‌های اخیر به سمت جناح راست رفته‌اند به سمت

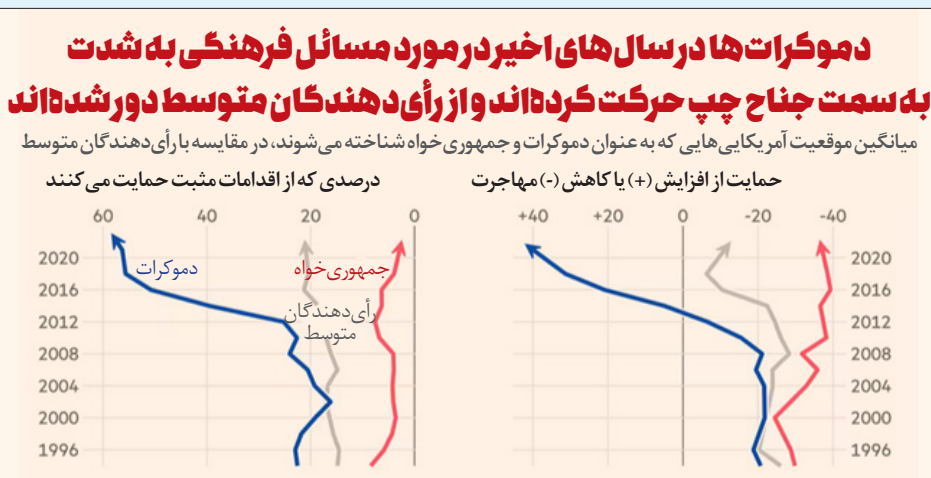
مورد مسائل اجتماعی چرخش شدیدی به جناح چپ داشتند. این موضوع آن‌ها را از رأی دهندگان متوسط دور کرده است، درست همان طور که کاریکاتور رایت به تصویر کشیده شده است.

برخی مخالفت می‌کنند که سیاست ترقی خواه فقط همین است، اما شواهد خلاف این را نشان می‌دهد. پیشرفت چند دهه‌ای آمریکا به سمت تساهل و برابری نژادی و جنسی، یک تغییر تدریجی بوده است که توسط ترقی خواهانی هدایت می‌شود که میانه‌گرایی را دنبال می‌کنند. در مقابل، محورهای دهه گذشته ناگهانی بوده‌اند و اکثریت را پشت سر گذاشته‌اند.

آن‌ها بهتر است نه به عنوان حرکتی به سوی تساهل و برابری بیشتر، بلکه به عنوان تغییر در لفاظی یا راه‌حل‌های پیشنهادی برای پرداختن به نابرابری‌ها توصیف شوند، جایی که فضای زیادی برای اختلاف نظر بدون تعصب وجود دارد. بسیاری از این محورها از فعالان و کارکنان غیرانتفاعی که حزب دموکرات را احاطه کرده‌اند، سرچشمه می‌گیرند. در یک تحقیق ارزشمند که در سال ۲۰۲۱ انجام شد، دانشمندان علوم سیاسی، الکساندر فرناس و تیموتی

در آوریل ۲۰۲۲، ایلان ماسک کاریکاتور ساخته شده توسط زبست شناس تکاملی آمریکا کالین رایت را توپیت کرد. این تصویر نشان می‌دهد که رایت که خود را «لیبرال چپ میانه» توصیف می‌کند، با تغییر بیشتر چپ گراهای آمریکا به سمت جناح چپ در دهه ۲۰۱۰، از نظر سیاسی سرگردان می‌شود و او را با وجود تغییر نکردن ایدئولوژی‌اش به جناح راست نزدیک می‌کند. کاریکاتور در آن زمان مورد تمسخر قرار گرفت، اما وقایع اخیر نشان می‌دهد که ممکن است ذره‌ای از حقیقت در آن وجود داشته باشد.

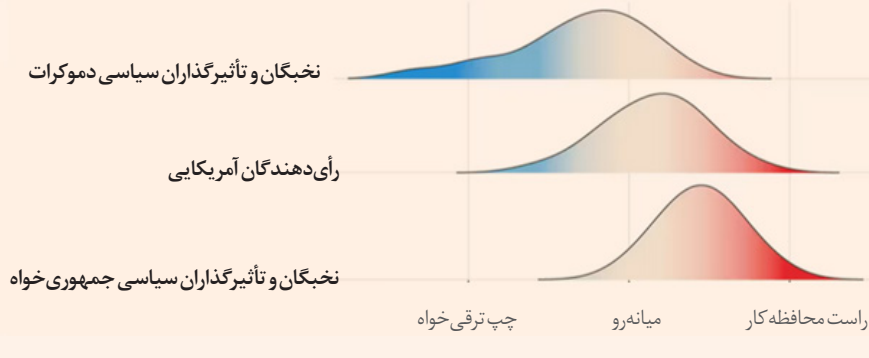
داده‌ها حاکی از آن است که دموکرات‌ها جایگاه خود را در میان میانه‌روها از دست دادند، در حالی که در میان ترقی خواهان ثابت ماندند. اتهامات مربوط به نژادپرستی رأی دهندگان را به سمت دونالد ترامپ سوق داده است، با چرخش به سمت جناح راست در میان رأی دهندگان سیاه‌پوست و اسپانیایی تضاد دارد و با مجموعه‌ای از داده‌ها که نشان می‌دهد تعصب نژادی در بین آمریکایی‌ها از هر طیف سیاسی در حال کاهش است. در عوض، داده‌ها نشان می‌دهد که دموکرات‌ها در دهه گذشته در



(عکس ۱)

بسیاری از افرادی که سیاست‌های حزب دموکرات را شکل می‌دهند دیدگاه‌هایی در مورد جمعیت رأی‌دهنده دارند

ایدئولوژی سیاسی در میان شخصیت‌های سیاسی ارشد هر حزب، لابی‌ها، اندیشمندان و سایر پرسنل تأثیرگذار، در مقایسه با ایدئولوژی رأی‌دهندگان



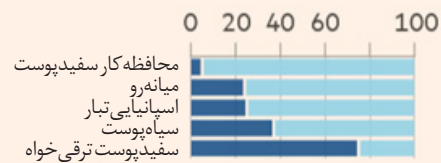
(عکس ۲)

ترقی خواهان سفیدپوست آمریکا اکنون در مورد بسیاری از مسائل دیدگاه‌هایی در سمت جناح چپ اقلیت‌های آمریکایی دارند

درصدی از هر گروهی که با هر عبارت موافق/مخالف هستند

مهاجرت قانونی به آمریکا باید آسان تر شود

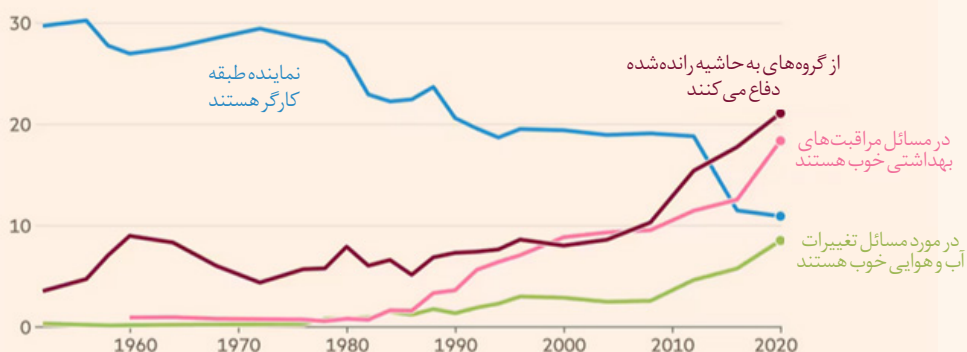
تعداد نیروی پلیس و دامنه کار آن باید کاهش یابد



(عکس ۳)

برای اولین بار در حد اقل ۸۰ سال گذشته، رأی دهندگان دموکرات‌ها را بیشتر با مسائل اجتماعی-فرهنگی مرتبط می‌دانند تا با همبستگی طبقاتی و اقتصادی

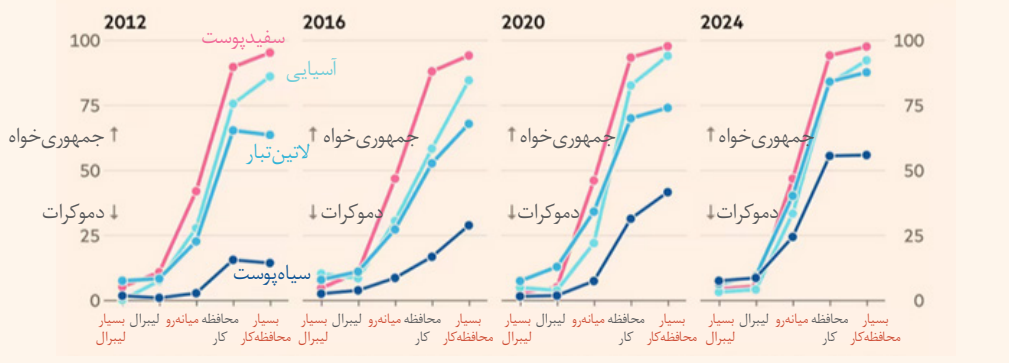
دلایل اصلی مردم که می‌گویند حزب دموکرات را دوست دارند (درصد از کل دلایل ارائه شده)



(عکس ۴)

محافظه‌کاران غیر سفیدپوست به‌طور فزاینده‌ای رأی خود را با موضع خود در مورد مسائل اجتماعی/فرهنگی تطبیق می‌دهند و آن‌ها را به سمت جمهوری خواهان سوق می‌دهند

سهم جمهوری خواهان از آرای دو حزبی در انتخابات آمریکا، بر اساس نژاد و ایدئولوژی سیاسی



(عکس ۵)

بولیتیکو/ چارلی ماهتسیان

پیروزی‌های خیره‌کننده ترامپ



هریس در فیلی بیش از ۵۰۰ هزار رأی کسب کند، پیروز خواهد شد؛ اما اگر او به ۴۵۰ هزار نزدیک تر باشد، «پیش‌بینی سخت خواهد شد.»

در حالی که هنوز تعدادی رأی برای شمارش باقی مانده است، حاشیه پیروزی هریس به آن هم نزدیک نبود: «فقط ۴۱۲ هزار رأی.» حاشیه بایدن در سال ۲۰۲۰ در آنجا ۴۷۱ هزار رأی بود. بر اساس تجزیه و تحلیل فیلادلفیا اینکولپر، در ۱۱۴ حوزه اکثریت لاین در فیلادلفیا، سهم ترامپ از ۶٫۱ درصد در سال ۲۰۱۶ به ۲۱٫۸ درصد در سال ۲۰۲۴ افزایش یافت.

پیروزی چشمگیر ترامپ در فلوریدا با تعدادی از تحولات قابل توجه همراه بود. هیچ کدام چشم نوازتر از نتایج در اورنج کانتی اورلاندو و شهرستان همسایه اوسولا که محل زندگی جوامع بزرگ پورتوریکویی است، نبود. در سال ۲۰۱۶، هیلاری کلینتون با ۶۰ به ۳۶ درصد در اوسولا به پیروزی دست یافت. هشت سال بعد، ترامپ اوسولا را به دست گرفت.

فلوریدا شاهد بود که تعداد انگشت‌شمار از مناطق اصلی در شب انتخابات به سمت ترامپ رفتند. شهرستان دوول جکسونویل و شهرستان پینلاس سن ریتزبورگ که هر دو در سال ۲۰۱۶ قبل از اینکه در سال ۲۰۲۰ به سمت بایدن بروند به ترامپ

حمایت از هریس در شهرستان‌های لودون و پرنس ویلیام ۵ امتیاز کاهش یافت. در شهرستان فیرفکس، حمایت از هریس ۴ امتیاز کاهش یافت. نتیجه هرگز در هیچ‌یک از آن حومه‌ها مورد تردید نبود، اما کاهش حاشیه‌ها به رقابتی تر شدن ایالت نسبت به سال ۲۰۲۰ کمک کرد. این یکی از دلایلی است که چرا او بر جینیا برای بایدن در ساعت ۷:۳۶ بعد از ظهر، تقریباً نیم ساعت پس از بسته شدن رأی‌گیری و اینکه چرا تا ساعت ۱۱:۴۲ شب امسال برای هریس فراخوان داده نشد، است.

این یکی از بزرگ‌ترین داستان‌های انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ بود: «قدرت غیرمنتظره ترامپ در دره ریوگراند که عمدتاً لاتین تبار است.» در آن زمان، اوفقط یک شهرستان را تغییر داد. امسال، ترامپ آن‌جا را به رنگ قرمز درآورد. از جمله مناطقی که ترامپ انتخاب کرد: «شهرستان استار که ۹۷ درصد اسپانیایی تبار هستند و بیش از یک قرن است که به جمهوری خواهان برای ریاست جمهوری رأی نداده‌اند.» تنها هشت سال پیش، ترامپ استار را به هیلاری کلینتون با اختلاف ۷۹ به ۱۹ درصد از دست داد.

پیش از زور انتخابات، رئیس حزب دموکرات فیلادلفیا، نماینده سابق باب بردی، معیارهای موفقیت را مشخص کرد. اگر

ترامپ شانس پیروزی در میشیگان در سال ۲۰۲۰ را از دست داد اما امسال داستان متفاوت بود. چهار سال پیش، شهرستان وین دیترویت و شهرستان اوکلند حومه، از ترامپ حمایتی نکردند، به ویژه زمانی که مشارکت کانتی اوکلند به ۷۵ درصد افزایش یافت. این بار، مشارکت اوکلند اندکی کاهش یافت و هریس ۱۱۲ هزار رأی کمتر از بایدن از دو شهرستان پرجمعیت این ایالت به دست آورد.

شهرستان وین که به شدت طرفدار دموکرات است شاهد کاهش تندتری بود که نشان دهنده خشم مسلمانان و آمریکایی‌های عرب نسبت به حمایت مستمر دولت بایدن از حمله نظامی اسرائیل به غزه و لبنان بود. ترامپ که زمانی پیشنهاد ممنوعیت مهاجرت از کشورهای مسلمان را مطرح کرده بود، با این وجود حمایت رهبران محلی عرب و مسلمان را جلب کرد که در نهایت با تغییر ۹ امتیازی به سمت جمهوری خواهان در آنجا انجامید. جو بایدن در سال ۲۰۲۰ نسبت به عملکرد پیروزمندانه هیلاری کلینتون در ویرجینیای شمالی به دستاوردهای قابل توجهی دست یافت. با این حال، روز سه‌شنبه، منطقه‌ای که بیش از یک سوم جمعیت ایالت را در خود جای داده است، ناگهان به سمت جناح راست حرکت کرد.

چگونه فیلادلفیا، سنگر دموکرات‌ها، چنین حاشیه کمی را برای کامالا هریس ایجاد کرد؟ چه توضیحی وجود دارد که ایالت‌هایی که مؤثلاً ترامپ پس از اینکه جو بایدن آن‌ها را به حزب دموکرات بازگرداند، پس گرفت؟

این داستانی بود که در سراسر نقشه انتخاباتی، چه در ایالت‌های نوسانی و چه در ایالت‌های غیررقابتی، تکرار شد. ائتلاف دموکرات که فقط چند سال قبل پیروزی قانع‌کننده‌ای را به بایدن داد، سه‌شنبه به سادگی از هم پاشید و حزب رامبهوت و سرگشته از دامنه‌های ویرانی‌ها کرد و حزب جمهوری خواه به‌طور ناگهانی نیرو گرفت.

او موفق شد آرای بیشتری را از مناطق روستایی آمریکا جمع کند و این شامل دستاوردهای رأی دهندگان سیاه‌پوست روستایی نیز می‌شود. او در مکان‌های شهری بزرگ و متنوع مانند هیوستون یا کوک حاشیه‌های سنتی بزرگ دموکرات‌ها را کاهش داد و به این ترتیب، دیوار آبی فرو ریخت و کمربند خورشیدی برای دموکرات‌ها ناپدید شد. ترامپ هم‌هفت ایالت نوسانی و هم‌رأی مردم را به دست آورد و باعث پیروزی او شد. در اینجا حوزه‌هایی هستند که توضیح می‌دهند که چه اتفاقی افتاده است.



رأی محدودی دادند، دوباره به حزب جمهوری خواه بازگشتند. شهرستان هیلز بورو تا میا سخت تر به سمت جناح راست رفت و پس از اینکه در سال ۲۰۲۰ یک پیروزی راحت ۷ امتیازی به بایدن داد، به ترامپ رأی داد.

داستان مهم تر، موفقیت ترامپ در شهرستان میامی دید بود. تحت الگوی سیاسی قدیمی فلوریدا، زمانی که میدان جنگ واقعی بود، دموکرات ها باید امتیازات خود را در میامی دید افزایش می دادند تا ضررهای خود را در جاهای دیگر جبران کنند. بایدن در سال ۲۰۲۰ موفق به انجام این کار نشد. توجه دقیق دولت ترامپ به جامعه آمریکایی کوبایی میامی و پیام های ضد سوسیالیستی و قانون و نظم کارزار او نه تنها در میان آمریکایی های کوبایی، بلکه با آمریکایی های ونزویلائی و دیگر گروه های لاتین تبار نتیجه داد.

باین حال، بایدن موفق شد میامی دید را برنده شود، حتی اگر با اختلاف کمتری باشد. امسال؟ هریس حتی نزدیک هم نبود. ترامپ با ۱۱ امتیاز برنده شد که نشان دهنده بزرگ ترین تغییر در بین ۶۷ حومه این ایالت است.

منطقه جنوبی مینه سوتا هاوس که زمانی تیم والزر دکنگره نمایندگی می کرد، مملو از به اصطلاح شهرستان های محوری بود، مجموعه ای متشکل از حدود ۲۰ شهرستان در سراسر ایالت که قبل از اینکه در سال ۲۰۱۶ به ترامپ رأی دهند، دوبار به باراک اوباما رأی دادند.

آن ها معمولاً سفید پوست، تحصیل کرده و جمعیت کمتری نسبت به میانگین آمریکو بیشتر روستایی یا شهر کوچک تر هستند. بایدن که در بیشتر مناطق روستایی و شهرهای کوچک آمریکا از هیلاری کلینتون پیشی گرفت، توانست سه بخش محوری جنوب مینه سوتا را به دست آورد، شهرستان های آبی ارث، نیکولت و وینونا. بلیت ریاست جمهوری دموکرات با حضور والزر که این مناطق را ابتدا به عنوان نماینده کنگره و سپس به عنوان فرماندار نمایندگی می کرد، ممکن بود در نبرد برای حفظ این شهرستان هادر گروه حزبی مطلوب به نظر برسد؛ اما احتی حضور والزر در برگره رأی هم نتوانست برای این رأی دهندگان قانع کننده باشد و تصمیم گرفتند به ترامپ برگردند.

به نظر می رسد که تلاش های کم اهمیت کارزار ترامپ برای محاکمه رأی دهندگان بومی آمریکا سود زیادی به همراه داشته است. در سراسر نقشه، در شهرستان های به طور سنتی دموکرات و عمدتاً بومی آمریکا، ترامپ حمایت های قابل توجهی به دست آورد. دو شهرستان مونتا که شدیدترین جابجایی ها را به سمت جناح راست دیدند، شهرستان های گلاسیر و بلین بودند که هر دو دارای اکثریت بومیان آمریکاهستند. شهرستان رایسون در کارولینای شمالی، محل زندگی قبیله لومی، شاهد یک تغییر نقطه ای به جناح راست بود، بزرگترین تغییر رنگ قرمز در بین هر شهرستان هادر این ایالت.

همه این ها به رغم اینکه کارزار هریس از رأی بومیان آمریکا حمایت می کرد. در اواخر اکتبر، والزر در ویندوراک، آریزونا مبارزات انتخاباتی انجام داد؛ با همراهی دب هالند، وزیر کشور که بومی آمریکایی است. در آنجا از کهنه سربازان بومی آمریکایی تمجید کرد و در مورد مراقبت های بهداشتی روستایی بحث کرد. جو بایدن همچنین در ماه اکتبر به حومه فونیکس، به منطقه حفاظت شده هندی رودخانه گیلا سفر کرد و رسماً به خاطر نقش دولت فدرال در اداره مدارس شبانه روزی که در آن هزاران کودک بومی آمریکا باید رفتاری و همسان سازی اجباری مواجه شدند، عذر خواهی کرد.

به رغم تمرکز دموکرات ها بر آریزونا که بالاترین درصد بومیان آمریکار را در بین هفت ایالت نوسانی دارد، به نظر می رسد ترامپ در حال دستیابی به دستاوردهای چشمگیر است. با شمارش ۶۰ درصد آرا در شهرستان آیچی (که ۷۲ درصد بومیان آمریکا هستند)، او نسبت به سال ۲۰۲۰ در آنجا بهتر عمل کرد.

یک سؤال بزرگ در پنسیلوانیا این بود که وضعیت هریس در سرزمین جمهوری خواه زادگاه بایدن چگونه خواهد بود. طبقه کارگر به شدت کاتولیک و سفید پوست، از نظر جمعیتی مسن تر، شهرستان لاکاوانا در اسکرانتون و شهرستان لوزرن همسایه آن چالش مهمی برای هریس ایجاد کردند. لوزرن قبلاً در سال ۲۰۱۶ به شدت برای ترامپ شکست خورده بود و چهار سال بعد از او حمایت کرد. حاشیه ۲۰۲۰ بایدن در لاکاوانا این اطمینان را برانگیخت که در میان دموکرات ها باقی بماند.

در پایان، هریس موفق شد به سختی لاکاوانا را حفظ کند، اما با همان حاشیه هایی که اندکی کاهش یافته بود. در همین حال، لوزرن در سمت راست باقی ماند و ۶۰ درصد در آنجا از ترامپ حمایت کردند. در رقابت های ریاست جمهوری، ماساچوست و رود آیلند برخی از قابل اعتمادترین حومه ها برای دموکرات ها بودند؛ اما شهرستان بریستول، درست در مرز بین دو ایالت، هریس با کمتر از یک امتیاز از ترامپ در آنجا پیروز شد. چهار سال پیش، بایدن به راحتی در آنجا با نتیجه ۵۵ بر ۴۲ پیروز شد. آنچه در اینجا غیر معمول است این است که ده ها سال از زمانی که هیچ یک از ۱۴ شهرستان ماساچوست به نامزد ریاست جمهوری جمهوری خواه رأی نداده اند، می گذرد. کلید بهبود عملکرد ترامپ در مجموعه ای از شهرهایی که شهرستان بریستول را تشکیل می دهند، نیویورک و فوورد و فال ریور هستند. نیویورک، جایی که حمایت ترامپ در سال جاری افزایش یافت، نگاهی اجمالی به ائتلاف غیر سنتی ترامپ ارائه می کند، این شهر تقریباً یک چهارم لاتین تبار است با جمعیت نسبتاً قابل توجه پورتو ریکویی و درصد بالاتر از متوسط متولدین خارجی. علاوه بر این، ترامپ شهر فال ریور را تغییر داد که مانند نیویورک و فوورد درصد نسبتاً پایینی از ساکنان با مدرک دانشگاهی و درصد نسبتاً بالایی از افراد متولد خارج را دارد.

حاشیه های بیش از حد توسط شهرستان های بزرگ و لیبرال کالج یک عنصر اساسی در پیروزی بایدن در سال ۲۰۲۰ بود؛ اما به نظر نمی رسد همان میزان خشم نسبت به ترامپ در نتایج سال ۲۰۲۴ منعکس شود. هریس همه این حومه ها را برد، معمولاً با اختلاف بسیار زیاد؛ اما حاشیه ها اغلب کمتر از سال ۲۰۲۰ است. دلایل احتمالی متعددی وجود دارد، از جمله مسئله غزه یا کشش ترامپ با رأی دهندگان مرد جوان؛ اما تا زمانی که همه منتایج کامل نشده و داده های رأی گیری دقیق تر بررسی شود مشخص نخواهد شد. در بخش جانسون شهر آیووا (محل دانشگاه آیووا)، یک تغییر ۵ امتیازی به سمت جمهوری خواهان وجود دارد. در شهرستان استوری ایالت آیووا، ۷ امتیاز است. این تغییرات در شهرستان اینگام

در ایالت میشیگان و شهرستان واشتناو در دانشگاه میشیگان کمی کوچکتر بود. این داستان مشابه در شهرستان کلارک دانشگاه جورجیا، شهرستان سنتر ایالت پن و شهرستان آلاچواد دانشگاه فلوریدا بود. شهرستان تراویس، محل دانشگاه تگزاس و مرکز ایالت، امسال با ۵۰ هزار رأی کمتر از سال ۲۰۲۰ به دموکرات ها رأی دادند. چشمان ملت به شهرستان مکلنبرگ شارلوت و ویک کانتی رالی و اندازه حاشیه های هریس که به وجود می آمد دوخته شد و در نهایت نسبت به سال ۲۰۲۰ عملکرد ضعیفی داشتند؛ اما مناطق روستایی کارولینای شمالی شرقی نیز نقشی در حفظ تسلط ترامپ بر کارولینای شمالی داشتند. ترامپ با رأی دهندگان سیاهپوست در سراسر منطقه به دستاوردهای قابل توجهی دست یافت، نش کانتی و تقریباً ولسون کانتی را تغییر داد. او همچنین چندین امتیاز بیشتر از سال ۲۰۲۰ در اکثر شهرستان های بلک هر تفرود و نورث همپتون به دست آورد. این برای غلبه بر هریس در آن شهرستان ها کافی نبود، اما نشانه ای از ضعف دموکرات ها با رأی دهندگان سفید پوست و سیاهپوست روستایی بود. این الگویی بود که در جنوب ویرجینیا و در جنوب جورجیا تکرار شد.

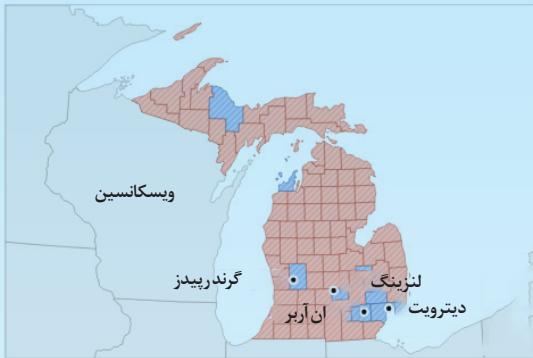
ترامپ در سال های ۲۰۱۶ و ۲۰۲۰ در مناطق به اصطلاح WOW و بسکانسین (ووکشا، اورا و کی و واشنگتن)، قلعه سنتی جمهوری خواهان در اطراف میلوآکی، عملکرد ضعیفی داشت. شهرستان نورث همپتون ایستون عادت عجیبی دارد که طرفدار برنده ریاست جمهوری است و امسال نیز تفاوتی نداشت. این یکی از سه شهرستان در این ایالت بود که در سال ۲۰۱۶ از اوباما به ترامپ تغییر مسیر داد و سپس در سال ۲۰۲۰ به بایدن بازگشت. امسال، به همراه یکی دیگر از بازیگران مشهور پنسیلوانیا، ایری کانتی، به ترامپ بازگشت.

کانتی لیهایی همسایه نیز در جهت ترامپ حرکت کرد، هر چند برای پیروزی ترامپ کافی نبود. آنچه در هر دو حومه قابل توجه است این است که پیشرفت های ترامپ در دو شهرستان با جمعیت قابل توجه لاتین تبار انجام شد.

<https://B2n.ir/s27622>

میشگان

	امتیاز	رای
✓ دونالد ترامپ (جمهوری خواه)	49.7%	2,804,038
○ کامالا هریس (دموکرات)	48.3	2,723,730
○ نامزد دیگر	2.0	110,017

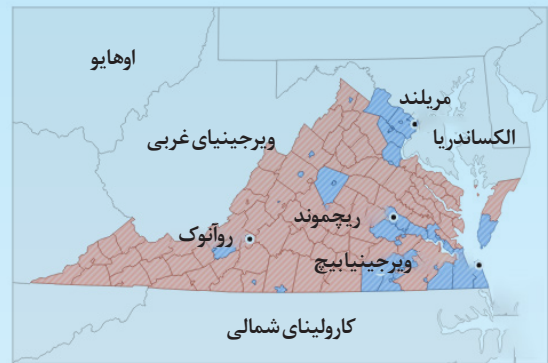


ترامپ ◆ هریس ◆ پیروز/نامزد پیشتاز

(عکس ۱)

ویرجینیا

	امتیاز	رای
✓ کامالا هریس (دموکرات)	51.8%	2,235,958
○ دونالد ترامپ (جمهوری خواه)	46.6	2,011,637
○ نامزد دیگر	1.6	67,772

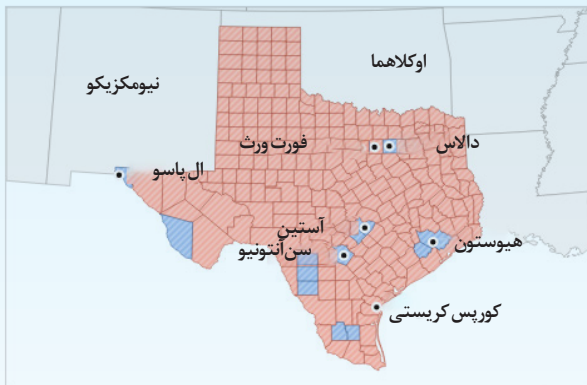


ترامپ ◆ هریس ◆ پیروز/نامزد پیشتاز

(عکس ۲)

تگزاس

	امتیاز	رای
✓ دونالد ترامپ (جمهوری خواه)	56.3%	6,375,362
○ کامالا هریس (دموکرات)	42.4	4,806,436
○ نامزد دیگر	1.3	150,563

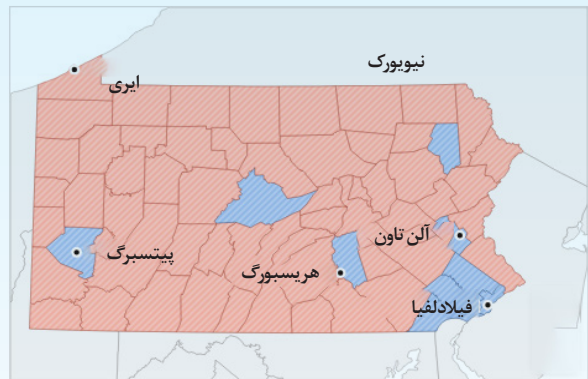


ترامپ ◆ هریس ◆ پیروز/نامزد پیشتاز

(عکس ۳)

فیلادلفیا و حومه آن

	امتیاز	رای
✓ دونالد ترامپ (جمهوری خواه)	50.5%	3,498,115
○ کامالا هریس (دموکرات)	48.5	3,355,803
○ نامزد دیگر	1.0	66,565

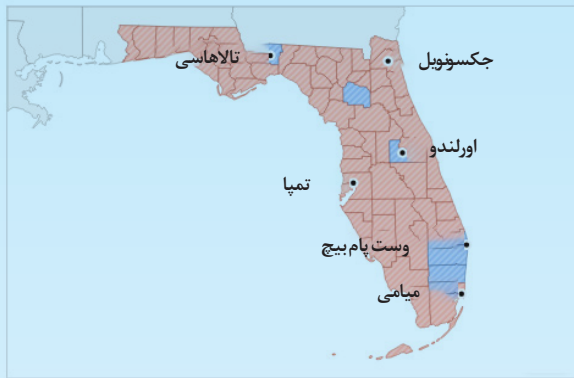


ترامپ ◆ هریس ◆ پیروز/نامزد پیشتاز

(عکس ۴)

فلوریدا

امتیاز	رای	امتیاز
✓	6,107,009	56.1%
○	4,678,443	43.0
○	100,233	0.9

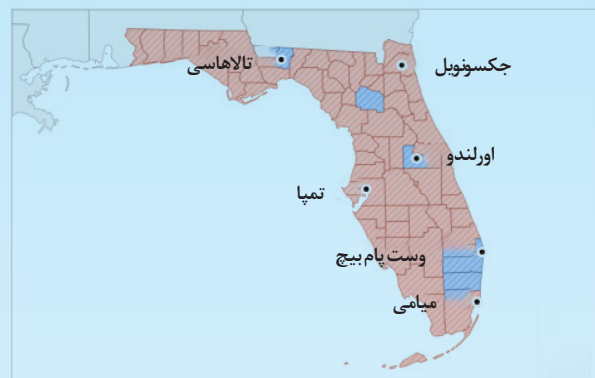


بدون نامزد پیشتاز ◊ ترامپ ◊ هریس ◊ پیروز/نامزد پیشتاز

(عکس ۵)

میامی-دید

امتیاز	رای	امتیاز
✓	6,107,009	56.1%
○	4,678,443	43.0
○	100,233	0.9

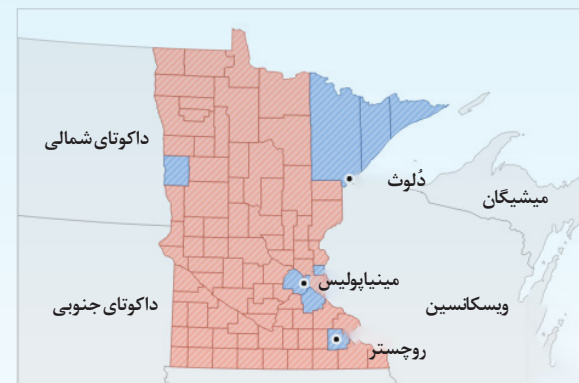


بدون نامزد پیشتاز ◊ ترامپ ◊ هریس ◊ پیروز/نامزد پیشتاز

(عکس ۶)

مینسوتا

امتیاز	رای	امتیاز
✓	1,656,764	51.1%
○	1,518,445	46.9
○	64,884	2.0

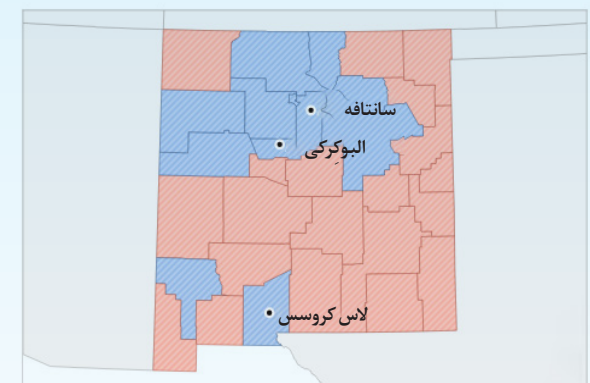


بدون نامزد پیشتاز ◊ ترامپ ◊ هریس ◊ پیروز/نامزد پیشتاز

(عکس ۷)

نیومکزیکو

امتیاز	رای	امتیاز
✓	474,392	51.8%
○	421,065	45.9
○	21,048	2.3

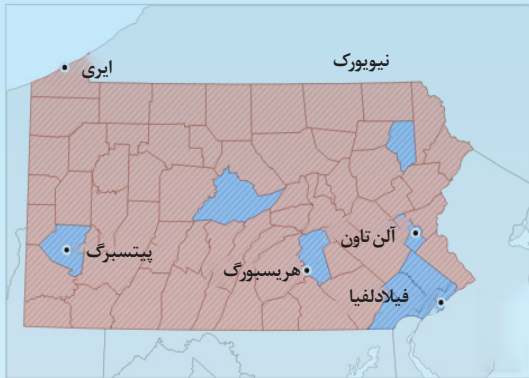


بدون نامزد پیشتاز ◊ ترامپ ◊ هریس ◊ پیروز/نامزد پیشتاز

(عکس ۸)

پنسیلوانیا

	رای	امتیاز
✓ دونالد ترامپ (جمهوری خواه)	3,498,115	50.5%
○ کامالا هریس (دموکرات)	3,355,803	48.5
○ نامزد دیگر	66,565	1.0

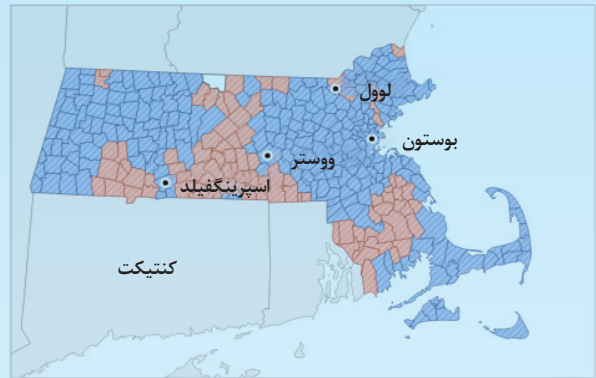


ترامپ ◆ هریس ◆ پیروز/نامزد پیشتاز

(عکس ۹)

ماساچوست

	رای	امتیاز
✓ کامالا هریس (دموکرات)	2,072,291	61.3%
○ دونالد ترامپ (جمهوری خواه)	1,234,779	36.5
○ نامزد دیگر	74,023	2.2

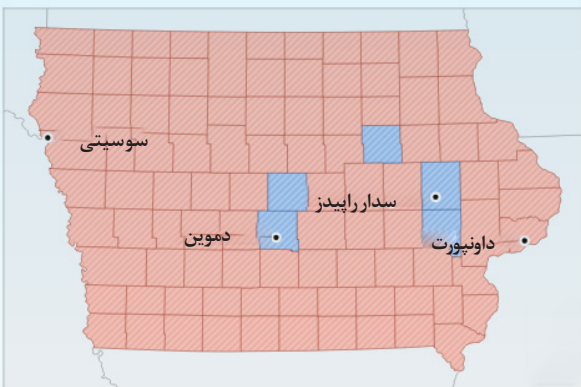


بدون نامزد پیشتاز ◆ ترامپ ◆ هریس ◆ پیروز/نامزد پیشتاز

(عکس ۱۰)

آیووا

	رای	امتیاز
✓ دونالد ترامپ (جمهوری خواه)	926,106	55.9%
○ کامالا هریس (دموکرات)	706,554	42.7
○ نامزد دیگر	22,606	1.4

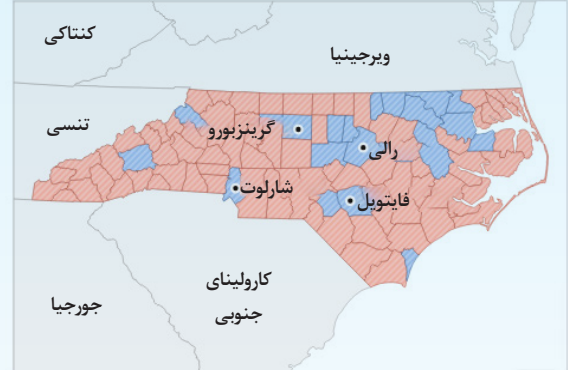


ترامپ ◆ هریس ◆ پیروز/نامزد پیشتاز

(عکس ۱۱)

کارولینای شمالی

	رای	امتیاز
✓ دونالد ترامپ (جمهوری خواه)	2,877,926	51.1%
○ کامالا هریس (دموکرات)	2,688,122	47.7
○ نامزد دیگر	64,844	1.2



ترامپ ◆ هریس ◆ پیروز/نامزد پیشتاز

(عکس ۱۲)



رصد و ترجمه اندیشه‌های آمریکایی مختص مطالعه نخبگان



سوریان
مرکز مطالعات

Sourianc.com